

- ۸- ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اجرائی در اجراء سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی،
- ۹- تمهیدات لازم برای تشویق عموم به سرمایه‌گذاری، کارآفرینی و بهبود فضای کسب و کار.

بخش هشتم- قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران

بورس اوراق بهادار

- بازاری متشکل و خود انتظام است.
- معاملات اوراق بهادار در آن توسط کارگزاران یا معامله‌گران و طبق مقررات قانون بازار اوراق بهادار انجام می‌شود.

کانون‌ها

- شامل کانون کارگزاران، معامله‌گران، بازارگردانان، مشاوران، ناشران، سرمایه‌گذاران و سایر مجامع مشابه.
- تشکلهای خودانتظام هستند.
- هدف: تنظیم روابط بین اشخاص فعال در بازار اوراق بهادار.
- شکل حقوقی: مؤسسه غیردولتی، غیرتجاری و غیرانتفاعی.
- ثبت: طبق دستورالعمل‌های مصوب سازمان بورس.

بازارهای خارج از بورس

- شبکه‌ای (الکترونیکی یا غیر الکترونیکی) برای معاملات اوراق بهادار.
- مبنای معاملات: مذاکره بین طرفین.

بازار اولیه

- محل اولین عرضه و پذیره‌نویسی اوراق بهادار جدیدالانتشار.
- منابع حاصل از عرضه مستقیماً به ناشر می‌رسد.

بازار ثانویه

- محل دادوستد اوراق بهادار پس از عرضه اولیه.

بازار مشتقه

- محل معامله قراردادهای آتی و اختیار معامله مبتنی بر اوراق بهادار یا کالا.

ناشر

- شخص حقوقی که اوراق بهادار را به نام خود منتشر می‌کند.

کارگزار

- شخص حقوقی که اوراق بهادار را برای دیگران و به حساب آن‌ها معامله می‌کند.

کارگزار/ معامله‌گر

- شخص حقوقی که اوراق بهادار را:
- برای دیگران و به حساب آن‌ها، یا
- به نام و حساب خود معامله می‌کند.

بازارگردان

- کارگزار/معامله‌گری با مجوز لازم.
- تعهد: افزایش نقد شوندگی، تنظیم عرضه و تقاضا و محدود کردن دامنه نوسان قیمت اوراق بهادار معین.

سببگردان

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مؤسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

• شخص حقوقی که بر اساس قرارداد مشخص و به منظور کسب سود، اقدام به خرید و فروش اوراق بهادار برای سرمایه‌گذار می‌کند.

اوراق بهادار

• هر نوع ورقه یا مستند دارای حقوق مالی قابل نقل و انتقال برای مالک عین یا منفعت آن.

• شورا اوراق بهادار قابل معامله را تعیین و اعلام می‌کند.

• ابزار مالی و اوراق بهادار در این قانون معادل هم محسوب می‌شوند.

* بورس اوراق بهادار در قالب شرکت سهامی عام تأسیس اداره می‌شود.*

- شورا بالاترین رکن بازار اوراق بهادار است که تصویب سیاست‌های کلان آن بازار را بر عهده دارد. اعضای شورا به شرح ذیل می‌باشد:

۱- وزیر امور اقتصادی و دارایی.

۲- وزیر بازرگانی.

۳- رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۴- رؤسای اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و اتاق تعاون.

۵- رئیس سازمان که به عنوان دبیر شورا و سخنگوی سازمان نیز انجام وظیفه خواهد کرد.

۶- دادستان کل کشور یا معاون وی.

۷- یک نفر نماینده از طرف کانون‌ها.

۸- سه نفر خبره مالی منحصراً از بخش خصوصی با مشورت تشکلهای حرفه‌ای بازار اوراق بهادار به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیأت وزیران.

۹- یک نفر خبره منحصراً از بخش خصوصی به پیشنهاد وزیر ذی‌ربط و تصویب هیأت وزیران برای هر بورس کالایی.

* ریاست شورا با وزیر امور اقتصادی و دارایی خواهد بود.*

• وظایف شورای عالی بورس و اوراق بهادار

برخی از وظایف این شورا به شرح ذیل است؛

۱- تصویب ابزارهای مالی جدید

۲- نظارت بر فعالیت و رسیدگی به شکایت از سازمان بورس و اوراق بهادار

۳- انتخاب بازرس/ حسابرس سازمان بورس و اوراق بهادار و تعیین حق الزحمه آن

۴- انتخاب اعضای هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار

۵- انتخاب رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار

۶- انتخاب اعضای هیأت داور بورس و تعیین حق الزحمه آن

۷- اعطای مجوز پذیرش اوراق بهادار خارجی به بورس

۸- اعطای مجوز به بورس به منظور عرضه اوراق بهادار شرکت‌های پذیرفته شده خود در بازارهای خارجی

۹- اعطای مجوز به بورس جهت معاملات اشخاص خارجی در بورس

۱۰- سایر اموری که به تشخیص هیأت وزیران به بازار اوراق بهادار مربوط باشد.

* مصوبات شورا پس از تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی لازم‌الاجراء خواهد بود.*

• سازمان بورس و اوراق بهادار

این سازمان دارای اوصاف ذیل است؛

۱- این سازمان یک موسسه عمومی غیردولتی است.

۲- دارای شخصیت حقوقی و مالی مستقل است.

۳- از محل کارمزدهای دریافتی و سهمی از حق پذیرش شرکت‌ها در بورس و سایر درآمدها اداره می‌شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

• هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار

الف- دارای ۵ عضو است.

- ب- به پیشنهاد رئیس شورای عالی بورس و اوراق بهادار و با تصویب این شورا انتخاب می‌شوند.
- ج- از میان افراد امین و دارای حسن شهرت و تجربه در رشته مالی منحصراً از کارشناسان بخش غیردولتی انتخاب می‌شوند.
- د- رئیس هیأت مدیره از بین اعضای هیأت مدیره به پیشنهاد اعضا و تصویب شورای عالی بورس برای مدت سی ماه تعیین می‌شود.
- ر- رئیس هیأت مدیره رئیس سازمان و بالاترین مقام اجرایی آن خواهد بود.

- | | | |
|--|---|--------------------------------------|
| <ul style="list-style-type: none">۱- ثبت و صدور مجوز عرضه عمومی اوراق بهادار و نظارت بر آن.۲- اتخاذ تدابیر لازم جهت پیش‌گیری از وقوع تخلف در بازار اوراق بهادار.۳- نظارت بر سرمایه‌گذاری اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی در بورس.۴- پیشنهاد دادن ابزارهای مالی جدید به شورای عالی بورس برای به‌کارگیری در بازار اوراق بهادار۵- صدور تاییدنامه سازمان قبل از ثبت شرکت‌های سهامی عام نزد مرجع ثبت شرکت‌ها. | } | مهم‌ترین وظایف و اختیارات هیأت مدیره |
|--|---|--------------------------------------|

- حقوق و مزایای رئیس و اعضای هیأت مدیره سازمان از محل بودجه سازمان پرداخت می‌شود.
- حق حضور اعضای غیردولتی شورا در جلسات شورا، به پیشنهاد رئیس شورا و با تصویب شورا تعیین و از محل بودجه سازمان پرداخت می‌شود.
- حسابرس: بازرس سازمان از بین مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی برای یک سال توسط شورا انتخاب می‌شود، انتخاب حسابرس - بازرس حداکثر برای دو دوره امکان‌پذیر خواهد بود.
- انجام هرگونه معاملات اوراق بهادار ثبت‌شده یا در شرف ثبت نزد سازمان یا هرگونه فعالیت و مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم در انجام معاملات مذکور توسط اعضای شورا، مدیران و شرکای مؤسسه حسابرسی سازمان و نیز اشخاص تحت تکفل آن‌ها ممنوع است.

• هیأت داورى بورس؛

هیأت داورى متشکل از سه عضو می‌باشد که؛

الف- یک عضو توسط رئیس قوه قضائیه از بین قضات باتجربه

- ب- دو عضو از بین صاحب‌نظران در زمینه‌های اقتصادی و مالی به پیشنهاد سازمان و تأیید شورا به اختلافات رسیدگی می‌نماید.
- رئیس قوه قضائیه و سازمان با تأیید شورا علاوه بر نماینده اصلی خود، هر یک، عضو علی‌البدل تعیین و معرفی می‌نمایند تا در صورت غیبت عضو اصلی مربوط در هیأت داورى شرکت نماید. شرایط عضو علی‌البدل همانند عضو اصلی می‌باشد.
- *ریاست هیأت داورى با نماینده قوه قضائیه خواهد بود.*
- مدت مأموریت اعضای اصلی و علی‌البدل دو سال می‌باشد و انتخاب مجدد آنان حداکثر برای دو دوره دیگر بلامانع است.
- آرای صادر شده از سوی هیأت داورى قطعی و لازم‌الاجراء است و اجرای آن به عهده اداره‌ها و دواير اجرای ثبت اسناد و املاک می‌باشد.

محدودیت مالکیت سهام

- هیچ شخص حقیقی یا حقوقی نمی‌تواند بیش از ۵٪ سهام شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار را داشته باشد.
- هیچ شخص حقیقی یا حقوقی نمی‌تواند بیش از ۲/۵٪ سهام بورس را داشته باشد.

مدت و شرایط عرضه عمومی

- عرضه عمومی اوراق بهادار باید در مدت تعیین‌شده توسط سازمان انجام شود (حداکثر ۳۰ روز).
- سازمان می‌تواند با تقاضای ناشر و احراز دلیل موجه، مهلت را حداکثر ۳۰ روز دیگر تمدید کند.
- ناشر باید حداکثر ۱۵ روز پس از پایان عرضه عمومی، نتیجه را به سازمان اعلام کند.

شرایط استفاده یا بازگشت وجوه

- استفاده از وجوه تنها پس از تکمیل فرآیند عرضه عمومی توسط سازمان مجاز است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

• در صورت عدم تکمیل فرآیند عرضه عمومی، وجوه باید حداکثر ظرف ۱۵ روز به سرمایه‌گذاران بازگردانده شود.

فرآیند ثبت و موافقت سازمان

• سازمان در صورت کامل بودن مدارک، موظف است حداکثر ظرف ۳۰ روز از تاریخ ثبت درخواست، موافقت یا عدم موافقت خود با ثبت اوراق بهادار را اعلام کند.

• ثبت شرکت‌های سهامی عام یا افزایش سرمایه آن‌ها، پس از موافقت سازمان و صدور اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی توسط مرجع ثبت شرکت‌ها انجام می‌شود.

انتشار اوراق مشارکت

• اجازه انتشار اوراق مشارکت با سازمان بورس اوراق بهادار است.

• اوراق مشارکتی که از ثبت نزد سازمان معاف هستند، از این قاعده مستثنی‌اند.

– اوراق بهادار زیر از ثبت نزد سازمان معاف است:

۱ – اوراق مشارکت دولت، بانک مرکزی و شهرداری‌ها.

۲ – اوراق مشارکت منتشره توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری تحت نظارت بانک مرکزی.

۳ – اوراق بهادار عرضه شده در عرضه‌های خصوصی.

۴ – سهام هر شرکت سهامی عامی که کل حقوق صاحبان سهام آن کمتر از رقم تعیین شده توسط سازمان باشد.

۵ – سایر اوراق بهاداری که به تشخیص شورا نیاز به ثبت نداشته باشند از قبیل اوراق منتشره توسط سازمان‌ها و مراجع قانونی دیگر.

بخش نهم - قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور

ماده ۷: شورای عالی سلامت و امنیت غذایی با وظایف و ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

الف. وظایف:

۱. سیاست‌گذاری برای ارتقای سلامت و امنیت غذایی و سلامت مواد غذایی صادراتی و وارداتی

۲. بررسی و تصویب برنامه‌ها و تدابیر بخشی و فرابخشی در اجرای سیاست‌های ناظر بر سلامت و امنیت غذایی

۳. تعیین و پایش شاخص‌های اساسی سلامت و امنیت غذایی

۴. تصویب استانداردهای ملی پیوست سلامت برای طرح‌های بزرگ توسعه‌ای

۵. تصویب برنامه اجرایی سامانه «خدمات جامع و همگانی سلامت و امنیت غذایی»

۶. تصویب سازوکارهای نظارتی و رسیدگی به گزارش‌های نظارتی

۷. ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی مربوط

ب. ترکیب:

۱. رئیس‌جمهور (رئیس)

۲. وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (دبیر)

۳. رئیس سازمان برنامه‌وبودجه کشور

۴. وزیر کشور

۵. وزیر صنعت، معدن و تجارت

۶. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی

۷. وزیر آموزش‌وپرورش

۸. وزیر جهاد کشاورزی

۹. وزیر ورزش و جوانان

۱۰. رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۱۱. رئیس سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

۱۲. یک نفر از اعضای هر یک از کمیسیون‌های بهداشت و درمان، اجتماعی و برنامه‌بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی به‌عنوان ناظر

۱۳. رئیس کمیته امداد امام خمینی (ره)

۱۴. رئیس سازمان ملی استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران

۱۵. یک نفر به‌عنوان نماینده انجمن‌های علمی و تخصصی حوزه سلامت بنا به پیشنهاد وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و تأیید رئیس شورای عالی

۱۶. یک نفر به‌عنوان نماینده انجمن‌های علمی و تخصصی حوزه امنیت غذا و تغذیه بنا به پیشنهاد وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و جهاد کشاورزی و تأیید رئیس شورای عالی

تبصره. مصوبات شورا با تأیید رئیس‌جمهور قابل اجرا است.

بند ب ماده ۹: آزمایش اجباری برای تأیید سلامت کلیه رانندگان وسایل حمل‌ونقل عمومی مشمول بیمه سلامت است.

ماده ۱۶. صندوق توسعه ملی که در این ماده «صندوق» نامیده می‌شود با هدف تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل‌های آینده از منابع نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی تشکیل می‌شود.

صندوق در تهران مستقر است و در تهران و سایر نقاط کشور شعبه‌ای نخواهد داشت. اموال و دارایی‌های این صندوق متعلق به دولت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. این ماده در حکم اساسنامه صندوق است.

الف. ارکان صندوق عبارتند از:

۱. هیأت امناء

۲. هیأت عامل

۳. هیأت نظارت

ب. هیأت امناء به‌عنوان بالاترین رکن صندوق، دارای وظایف و اختیارات زیر است:

۱. راهبری، تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها

۲. تصویب شرایط و نحوه اعطای تسهیلات برای تولید و سرمایه‌گذاری به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی

۳. تصویب نظامنامه‌ها، برنامه‌های راهبردی، بودجه سالانه، صورت‌های مالی و گزارش عملکرد صندوق

۴. انتخاب رئیس و سایر اعضای هیأت عامل مطابق بندهای (ت) و (ث)

۵. عزل رئیس و اعضای هیأت عامل با پیشنهاد هریک از اعضای هیأت امناء و تصویب هیأت امناء

۶. اتخاذ تصمیم درباره ارجاع دعاوی به داور و صلح دعاوی با رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی

۷. تعیین انواع فعالیت‌های مورد قبول و واجد اولویت پرداخت تسهیلات در بخش‌ها و زیربخش‌های تولیدی و خدماتی زاینده و با بازده مناسب اقتصادی

۸. تعیین حداقل نرخ بازده مورد انتظار از منابع صندوق و همچنین نرخ بازده مورد قبول طرح‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری برای پرداخت تسهیلات و تعیین نرخ سهم مشارکت در طرح‌های سرمایه‌گذاری به‌نحوی که میانگین این نرخ‌ها کمتر از متوسط نرخ بازده سپرده‌های بانک مرکزی در بازارهای خارجی نباشد.

پ. هیأت امناء

ترکیب اعضای هیأت امناء به شرح زیر است:

۱. رئیس‌جمهور (رئیس هیأت امناء)

۲. رئیس سازمان برنامه‌بودجه کشور (دبیر هیأت امناء)

۳. وزیر امور اقتصادی و دارایی

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۴. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی

۵. وزیر نفت

۶. رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۷. رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران به عنوان عضو ناظر و بدون حق رأی

۸. رئیس اتاق تعاون ایران به عنوان عضو ناظر و بدون حق رأی

۹. دو نفر نماینده از کمیسیون‌های اقتصادی و برنامه‌بودجه و محاسبات به انتخاب مجلس شورای اسلامی

۱۰. دادستان کل کشور

- **جلسات هیأت امنا حداقل سالی دو بار تشکیل می‌شود.**

- جلسات هیأت امنا با حداقل دو سوم اعضای صاحب رأی رسمیت یافته و تصمیمات آن با حداقل پنج رأی اتخاذ می‌گردد.

- **رؤسای هیأت عامل و هیأت نظارت بدون حق رأی می‌توانند در جلسات هیأت امنا شرکت نمایند.**

- بودجه ستاد صندوق به تصویب هیأت امنا می‌رسد.

- ت. به‌منظور اداره امور صندوق در چهارچوب مفاد اساسنامه و مصوبات هیأت‌امنا، هیأت عامل مرکب از پنج نفر از افراد صاحب‌نظر، با تجربه و خوشنام در امور اقتصادی، حقوقی، مالی، بانکی و برنامه‌ریزی با حداقل ده سال سابقه مرتبط و مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد توسط هیأت امنا انتخاب و با حکم رئیس‌جمهور منصوب می‌شوند و دارای وظایف و اختیارات زیر می‌باشند:

۱. پیشنهاد فعالیت‌های مورد قبول و واجد اولویت پرداخت تسهیلات در بخش‌ها و زیربخشهای تولیدی و خدماتی زاینده و با بازده مناسب اقتصادی به هیأت امنا

۲. پیشنهاد موارد سرمایه‌گذاری در بازارهای پولی و مالی بین‌المللی و داخلی به هیأت امنا

۳. تعیین چهارچوب قراردادهای عاملیت با بانک‌های عامل و تعیین مسئولیت‌ها و اختیارات بانک عامل در چهارچوب این قراردادها

۴. برقراری نظام حسابرسی داخلی و استقرار نظام کنترل‌های داخلی مناسب

۵. تأیید صورت‌های مالی ارزی و ریالی و ارائه آن به هیأت امنا

۶. ارائه پیشنهاد به هیأت امنا در خصوص نظامنامه‌ها و شرایط و نحوه اعطای تسهیلات

۷. اتخاذ تصمیم نسبت به هرگونه اقدامی به‌نام صندوق در محدوده وظایف و اهداف مندرج در اساسنامه به‌جز آنچه تصمیم درباره آن‌ها به‌صراحت در حوزه صلاحیت هیأت امنا یا رئیس هیأت عامل است مگر اینکه به هیأت عامل تفویض شده باشد.

۸. اتخاذ تصمیم راجع به کلیه اموری که توسط رئیس هیأت عامل در محدوده اختیارات خود در دستور کار هیأت عامل قرار می‌گیرد.

۹. اجرای مصوبات هیأت امنا

۱۰. پیشنهاد ارجاع دعاوی به داوری، تعیین داور و صلح دعاوی به هیأت امنا

۱۱. افتتاح یا بستن حساب‌های ارزی در نزد بانک مرکزی و معرفی صاحبان امضای مجاز از بین اعضای هیأت عامل، رئیس و سایر مدیران صندوق

۱۲. انعقاد قرارداد با مشاور معتبر بین‌المللی در امور سرمایه‌گذاری و مهندسی مالی برای ارزیابی، بهبود و ارتقای عملکرد صندوق

۱۳. سایر موارد ارجاعی از سوی هیأت امنا

تبصره ۱. برکناری و قبول استعفای اعضای هیأت عامل مشروط به تأیید دوسوم اعضای صاحب‌رأی هیأت امنا خواهد بود.

تبصره ۲. اعضای هیأت عامل باید تمام‌وقت بوده و هیچ‌گونه فعالیت اقتصادی و شغل دیگری به‌استثنای تدریس نداشته باشند. اعضای هیأت عامل مشمول حکم مندرج در اصل یکصد و چهل و دوم (۱۴۲) قانون اساسی می‌باشند.

تبصره ۳. دوره تصدی هیأت عامل پنج سال بوده و انتخاب مجدد اعضاء بلامانع است.

تبصره ۴. کلیه اوراق بهادار، چک‌ها، سفته‌ها، بروات، قراردادها و سایر اسناد تعهدآور با امضای دو عضو از سه عضو هیأت عامل که توسط این هیأت تعیین می‌شوند همراه با مهر صندوق معتبر خواهد بود.

تبصره ۵. تصمیمات هیأت عامل با حداقل سه رأی نافذ است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ث. رئیس هیأت عامل که بالاترین مقام اجرایی صندوق است از بین اعضای هیأت عامل توسط هیأت امانا انتخاب و با حکم رئیس جمهور منصوب می‌شود. رئیس هیأت عامل دارای وظایف و اختیارات زیر می‌باشد:

۱. ابلاغ و صدور دستور اجرای تصمیمات هیأت عامل و نظارت بر حسن اجرای آن
۲. تعیین دستور جلسه و اداره جلسات هیأت عامل
۳. اداره صندوق در چهارچوب مصوبات هیأت عامل و هیأت امانا
۴. تهیه و تنظیم طرح‌ها و برنامه‌های اجرایی در حیطه فعالیت‌های موضوع صندوق
۵. تهیه و تنظیم برنامه، بودجه، صورت‌های مالی صندوق و پیش‌نویس گزارش هیأت عامل به هیأت امانا
۶. اداره امور داخلی صندوق، به‌کارگیری نیروی انسانی و انجام هزینه‌های جاری و اداری صندوق
۷. تهیه و تنظیم گزارش عملکرد صندوق برای ارائه به هیأت عامل حداقل هر سه ماه یک‌بار
۸. نمایندگی صندوق در برابر اشخاص ثالث و کلیه مراجع داخلی و خارجی اعم از قضائی، اداری، ثبتی و مشابه آن‌ها با حق توکیل به غیر ولو به‌طور مکرر

۹. اقامه یا دفاع از دعاوی یا شکایات مربوط به امور صندوق اعم از حقوقی و کیفری با کلیه اختیارات مربوط به امور دادرسی به جز حق مصالحه و ارجاع امر به داوری

۱۰. سایر امور ارجاعی از سوی هیأت عامل

ج. به‌منظور حصول اطمینان از تحقق اهداف صندوق و نظارت مستمر بر عملیات جاری آن و جلوگیری از هرگونه انحراف احتمالی از مفاد اساسنامه، خط‌مشی‌ها و سیاست‌ها، هیأت نظارت با ترکیب رئیس دیوان محاسبات کشور، رئیس سازمان حسابرسی کشور، رئیس سازمان بازرسی کل کشور تشکیل می‌شود.

تبصره ۱. نظارت این هیأت نافی وظایف قانونی دستگاه‌های نظارتی نظیر دیوان محاسبات کشور و سازمان بازرسی کل کشور نخواهد بود.

تبصره ۲. هیأت نظارت دارای رئیس، نائب رئیس و دبیر خواهد بود که در اولین جلسه هیأت نظارت انتخاب خواهند شد.

چ. وظایف هیأت نظارت:

۱. رسیدگی به صورت‌ها و گزارش‌های مالی صندوق و تهیه گزارش‌های موردی و ادواری برای هیأت امانا و مجلس شورای اسلامی؛

۲. رسیدگی به‌صورت ریزداری‌ها، مطالبات، تعهدات و خلاصه حساب‌های صندوق و گواهی آن‌ها برای انتشار در روزنامه رسمی کشور؛

۳. رسیدگی به عملکرد صندوق از لحاظ انطباق با موازین قانونی و اساسنامه و اهداف صندوق

این هیأت در ایفاء وظایف خود و بدون مداخله در امور جاری، کلیه اسناد و دارایی‌ها و حساب‌های صندوق را مورد رسیدگی قرار داده و می‌تواند به اطلاعات و مدارک و مستندات صندوق که لازم می‌داند دسترسی داشته باشد. این هیأت موظف است گزارش نظارتی خود را هر شش ماه یک‌بار به هیأت امانا و مجلس شورای اسلامی ارائه دهد.

تبصره. هیأت نظارت می‌تواند برای حسابرسی از عملکرد صندوق از خدمات اشخاص حقیقی و حقوقی صاحب صلاحیت استفاده نماید.

ح. منابع صندوق:

۱. حداقل معادل سی درصد (۳۰٪) از منابع حاصل از صادرات نفت (نفت خام، میعانات گازی، گاز و فرآورده‌های نفتی) در سال‌های برنامه و تعیین مبلغ آن در قوانین بودجه سنواتی

۲. حداقل بیست درصد (۲۰٪) ارزش صادرات تهاتری اقلام فوق‌الذکر

۳. افزایش سهم واریزی از منابع بندهای (۱) و (۲) هر سال به میزان سه واحد درصد

۴. پنجاه درصد (۵۰٪) مانده نقدی حساب ذخیره ارزی در پایان سال ۱۳۸۹ و سال‌های بعد

۵. منابع قابل تحصیل از بازارهای پولی بین‌المللی با مجوز هیأت امانا با رعایت قوانین مربوط

۶. سود خالص صندوق طی سال مالی

۷. درآمد حاصل از سود موجودی حساب صندوق در بانک مرکزی، معادل میانگین نرخ سود سپرده‌های بانک مرکزی در بازارهای خارجی با محاسبه و پرداخت هر سه ماه یک‌بار

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۸. بیست درصد (۲۰٪) منابع موضوع جزء (د) بند (۴) قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور

تبصره ۱. بازپرداخت اصل و سود تسهیلات پرداختی از محل صندوق توسعه ملی به حساب صندوق واریز و مجدداً در جهت اهداف صندوق به کار گرفته می شود.

تبصره ۲. حساب های صندوق فقط نزد بانک مرکزی نگهداری خواهد شد.

خ. مصارف صندوق:

۱. اعطای تسهیلات به بخش های خصوصی، تعاونی و بنگاه های اقتصادی متعلق به مؤسسات عمومی غیردولتی برای تولید و توسعه سرمایه گذاری های دارای توجیه فنی، مالی و اقتصادی

۲. اعطای تسهیلات صادرات خدمات فنی و مهندسی به شرکت های خصوصی و تعاونی ایرانی که در مناقصه های خارجی برنده می شوند از طریق منابع خود یا تسهیلات اتحادیه ای (سندیکایی)

۳. اعطای تسهیلات خرید به طرف های خریدار کالا و خدمات ایرانی در بازارهای هدف صادراتی کشور

۴. سرمایه گذاری در بازارهای پولی و مالی خارجی

۵. اعطای تسهیلات به سرمایه گذاران خارجی با در نظر گرفتن شرایط رقابتی و بازدهی مناسب اقتصادی به منظور جلب و حمایت از سرمایه گذاری در ایران با رعایت اصل هشتادم (۸۰) قانون اساسی می باشد.

۶. تأمین هزینه های صندوق

تبصره ۱. استفاده از منابع صندوق برای اعتبارات هزینه ای و تملک دارایی های سرمایه ای و بازپرداخت بدهی های دولت به هر شکل ممنوع است.

تبصره ۲. اعطای تسهیلات موضوع این بند فقط به صورت ارزی است و سرمایه گذاران استفاده کننده از این تسهیلات اجازه تبدیل ارز به ریال در بازار داخلی را ندارند.

تبصره ۳. اعطای کلیه تسهیلات صندوق صرفاً از طریق عاملیت بانک های دولتی و غیردولتی خواهد بود.

د. سایر مقررات:

۱. سهم عاملیت بانکها در شرایط رقابتی متناسب با نرخ کارمزد و توان تخصصی و کارشناسی بانکها توسط هیأت عامل تعیین می شود.

۲. سهم صندوق از منابع موضوع جزء (۱) و (۲) بند (ج) این ماده ماهانه توسط بانک مرکزی به حساب صندوق واریز و در پایان سال مالی با توجه به قطعی شدن منابع تسویه می شود.

۳. پرداخت تسهیلات از محل منابع صندوق بدون تأیید توجیه فنی، اقتصادی، مالی و اهلیت متقاضی توسط بانک عامل ممنوع است و در حکم تصرف غیرقانونی در اموال عمومی خواهد بود. ارزیابی گزارش های توجیه فنی، اقتصادی و مالی و احراز کفایت بازدهی طرح های سرمایه گذاری با لحاظ عامل خطرپذیری، به میزانی که از نرخ سود تسهیلات مورد انتظار اعلام شده توسط هیأت امنا کمتر نباشد به عهده بانک عامل و به مثابه تضمین بانک عامل در بازپرداخت اصل و سود تسهیلات به صندوق است.

صندوق، منابع مورد نیاز طرح های سرمایه گذاری بخش کشاورزی، آب و منابع طبیعی را از طریق بانک عامل یا صندوق حمایت از توسعه سرمایه گذاری بخش کشاورزی به صورت ارزی و با سود انتظاری کمتر در اختیار سرمایه گذاران بخش قرار می دهد.

۴. مجموع تسهیلات اختصاص یافته از منابع صندوق با عاملیت بانکها به مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت های تابعه و وابسته در هر حال نباید بیش از بیست درصد (۲۰٪) منابع صندوق باشد.

تبصره ۱. از نظر این ماده مؤسسات و شرکت ها در صورتی غیرعمومی محسوب می شوند که حداقل هشتاد درصد (۸۰٪) سهام، یا سهم الشرکه آن ها مستقیم و یا با واسطه اشخاص حقوقی متعلق به اشخاص حقیقی باشد.

مؤسسات و شرکت هایی که اکثریت مطلق سهام آن ها متعلق به مؤسسات عمومی و عام المنفعه نظیر موقوفات، صندوق های بیمه ای و بازنشستگی و مؤسسات خیریه عمومی است از نظر این ماده در حکم مؤسسات و شرکت های وابسته به نهادهای عمومی غیردولتی هستند.

تبصره ۲. بنگاه های اقتصادی که صرف نظر از نوع مالکیت، بیش از بیست درصد (۲۰٪) اعضای هیأت مدیره آن ها توسط مقامات دولتی تعیین می شوند از نظر این ماده، دولتی محسوب می گردند و پرداخت از منابع صندوق به آن ها ممنوع است.

تبصره ۳. صندوق موظف است در توزیع منابع بین بخش های اقتصادی و استان ها، توازن منطقه ای را مدنظر قرار دهد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

۵. سال مالی صندوق از اول فروردین ماه هر سال تا پایان اسفندماه همان سال است.
۶. صندوق در امور اداری، استخدامی، مالی و معاملاتی تابع این اساسنامه و قوانین مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و سیاست‌های پولی و ارزی می‌باشد. آیین‌نامه‌های لازم به پیشنهاد هیأت امنای صندوق به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید و طبق اصل یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی اقدام خواهد شد.
۷. رئیس هیأت عامل صندوق توسعه ملی موظف است هر شش ماه یکبار میزان منابع و مصارف و محل مصارف صندوق را به هیأت امناء، هیأت نظارت و مجلس شورای اسلامی گزارش نماید.
۸. هیأت نظارت در صورت برخورد با تخلف و جرم در اجرای احکام این ماده حسب مورد مراتب را به مراجع صالحه اعلام می‌دارد.
۹. ترازنامه و حساب سود و زیان صندوق به همراه گزارش و اظهارنظر هیأت نظارت باید حداقل پانزده روز قبل از تشکیل جلسه به هیأت امناء تسلیم گردد.
۱۰. صدور هرگونه ضمانت‌نامه و پرداخت هرگونه تسهیلات از محل منابع صندوق فقط از طریق بانک‌های عامل اعم از دولتی یا غیردولتی و صندوق حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی انجام می‌شود.
- ماده ۱۷: عواید حاصل از صادرات نفت اعم از نفت خام و میعانات گازی به صورت نقدی و تهاتری و درآمد دولت از خالص صادرات گاز پس از کسر مصارف ارزی پیش‌بینی شده در جداول قانون بودجه کل کشور به حساب ذخیره ارزی واریز می‌شود.
- ماده ۱۹. ترکیب مجمع عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از:
- الف. رئیس‌جمهور (رئیس مجمع)
- ب. وزیر امور اقتصادی و دارایی
- پ. رئیس سازمان برنامه‌بودجه کشور
- ت. دو نفر از وزرا به انتخاب هیأت وزیران
- تبصره ۱. قائم‌مقام بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی از میان متخصصان مجرب پولی، بانکی و اقتصادی با حداقل ده سال تجربه کاری و تحصیلات حداقل کارشناسی ارشد در رشته‌های مرتبط و دارای حسن شهرت پس از تأیید مجمع عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با حکم رئیس‌جمهور منصوب می‌شود.
- تبصره ۲. رئیس کل بانک مرکزی موظف است در مقاطع سه‌ماهه گزارش عملکرد وظایف و اختیارات قانونی بانک مرکزی را به تفصیل به رئیس‌جمهور، هیأت دولت و وزیر امور اقتصادی و دارایی و مجلس شورای اسلامی با یک محتوا گزارش دهد.
- ماده ۲۳:
- الف. هرگونه وضع مالیات یا عوارض برای صادرات کالاهای مجاز و غیر یارانه‌ای و جلوگیری از صادرات هرگونه کالا به منظور تنظیم بازار داخلی ممنوع است و صدور کلیه کالاهای و خدمات به جز موارد زیر مجاز می‌باشد:
۱. اشیای عتیقه و میراث فرهنگی به تشخیص سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
۲. آن دسته از اقلام خاص دامی، نباتی، خاک زراعی و مرتعی و گونه‌هایی که جنبه حفظ ذخایر ژنتیکی و یا حفاظت تنوع زیستی داشته باشند، به تشخیص وزارت جهاد کشاورزی و سازمان حفاظت محیط زیست
- هرگونه تخفیف و بخشودگی عوارض شهرداری‌ها توسط دولت ممنوع است.
- ماده ۲۴. تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک با مشارکت دو یا چند شخص حقیقی و حقوقی به منظور تسهیل و گسترش فعالیت اقتصادی و تجاری برای یک دوره محدود و بر اساس قراردادی کتبی پس از ثبت در مرجع ثبت شرکت‌ها در قالب شرکت مدنی و ضوابط و شرایط مربوط به آن و با رعایت موازین اسلامی و اصل منع اضرار به غیر و منع انحصار مجاز است.
- تبصره ۱. تغییر در حیطه اختیارات مدیران در قرارداد در قبال اشخاص ثالث قابل استناد نیست و اعضای گروه به‌طور تضامنی مسئول پرداخت دیون گروه از اموال شخصی خود می‌باشند، مگر اینکه با اشخاص ثالث طرف قرارداد به ترتیب دیگری توافق شده باشد. مراجع ثبت‌کننده در صورتی نسبت به ثبت این شرکت‌ها اقدام می‌کنند که در قرارداد، شرایط تضامن قید شده باشد.
- تبصره ۲. عملیات مربوط به دفاتر تجاری و بازرسی مطابق ماده (۶) قانون تجارت و مواد (۱۵۱) و (۱۵۲) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ انجام می‌شود و تصفیه تابع قرارداد بین شرکاء خواهد بود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

تبصره ۳. فوت یا حجر یا ممنوعیت قانونی یکی از اشخاص حقیقی یا انحلال یا ورشکستگی یکی از اشخاص حقوقی موجب انحلال گروه می شود مگر اینکه در قرارداد تشکیل گروه اقتصادی طور دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۲۸. به منظور رفع تصرف از اراضی دولتی، ملی و وقفی، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، سازمان امور اراضی و سازمان حفاظت محیط‌زیست، سازمان اوقاف و امور خیریه و وزارت راه و شهرسازی حسب مورد پس از تأیید بالاترین مقام دستگاه اجرایی مربوط، از پرداخت هزینه‌های دادرسی معاف می‌باشند.

ماده ۳۶. به منظور ارتقای جایگاه بازار سرمایه در اقتصاد کشور و ساماندهی بازار متشکل اوراق بهادار اقدامات زیر انجام می‌شود. سایر تدابیر ساماندهی، مطابق ماده (۴) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ است.

الف. کلیه اشخاصی که تاکنون نسبت به انتشار اوراق بهادار اقدام کرده‌اند حداکثر ظرف مدت شش‌ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون مکلفند نسبت به ثبت آن نزد سازمان بورس و اوراق بهادار اقدام نمایند. عدم ثبت، تخلف محسوب می‌شود لیکن مانع از اجرای تکالیف قانونی برای ناشر اوراق بهادار نمی‌باشد. ناشران اوراق بهادار ثبت‌شده نزد سازمان مذکور باید اطلاعات مالی خود را بر اساس ترتیبات مقرر در ماده (۴۵) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران منتشر نمایند.

ب. معاملات اوراق بهادار ثبت‌شده در سازمان فقط در بورس‌ها و بازارهای خارج از بورس دارای مجوز و با رعایت مقررات معاملاتی هر یک از آنها حسب مورد امکان‌پذیر است و معامله اوراق بهادار مذکور بدون رعایت ترتیبات فوق فاقد اعتبار است.

پ. پس از معامله اوراق بهادار ثبت‌شده نزد سازمان که در یکی از بورس‌ها یا بازارهای خارج از بورس معامله شده‌اند و کالاهای معامله‌شده در بورس‌های کالایی، عملیات تسویه وجوه و پایاپای (نقل‌وانتقال) پس از معاملات در شرکت‌های سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه صورت می‌گیرد.

ت. سوابق معاملات اوراق بهادار و معامله‌کنندگان آنها باید به‌گونه‌ای ثبت و نگهداری شود که قابلیت بازسازی معاملات را داشته باشد. دستورالعمل اجرایی این بند حداکثر تا دو ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط سازمان بورس و اوراق بهادار تهیه و ابلاغ می‌شود.

ث. اعضای هیأت‌مدیره و مدیرعامل تمامی اشخاص حقوقی که تحت یکی از عناوین نهادهای مالی موضوع قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران و یا قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به‌منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی تاکنون تشکیل شده‌اند و نزد مرجع ثبت شرکت‌ها در سراسر کشور به ثبت رسیده‌اند و نیز آن دسته از اشخاص حقوقی که موضوع فعالیت اصلی آنها نهاد مالی است، موظف‌اند نهاد مالی تحت مدیریت خود را نزد سازمان بورس و اوراق بهادار به ثبت برسانند. خودداری از ثبت نهاد مالی تخلف محسوب می‌شود و فعالیت مدیران آنها مشمول بند (۱) ماده (۴۹) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران است. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است نهادهای مالی را فقط با مجوز سازمان بورس و اوراق بهادار ثبت کند و از ثبت نهادهای مالی بدون مجوز خودداری کند. هرگونه تغییرات در اساسنامه و سرمایه نهادهای مالی نیز منوط به تأیید سازمان بورس و اوراق بهادار طبق ضوابط مربوط است. تأیید صلاحیت حرفه‌ای مدیران نهادهای مالی بر اساس دستورالعملی است که به تصویب شورای عالی بورس و اوراق بهادار می‌رسد.

ج. کالاهایی که در بورس‌های کالایی به‌عنوان بازار متشکل، سازمان‌یافته و تحت نظارت پذیرفته می‌شوند و مورد دادوستد قرار می‌گیرند طبق قوانین و مقررات حاکم بر آن بورس‌ها عرضه‌شده و مورد معامله قرار می‌گیرند. عرضه، معامله، تسویه و تحویل نهائی کالاهای مذکور مشمول قوانین و مقررات مربوط به بازارهای غیرمتشکل کالایی نیست.

چ. کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که به‌عنوان مدیران نهادهای مالی، تشکلهای خودانتظام و ناشران اوراق بهادار موضوع ماده (۱۳) قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به‌منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۸/۹/۲۵ انتخاب شده یا می‌شوند مکلفند مدارک هویت و کلیه اسناد و مدارک مربوط به سوابق شغلی و تحصیلی خود را جهت ثبت در پایگاه اطلاعاتی مدیران مربوطه به سازمان بورس و اوراق بهادار ارائه کنند. سازمان بورس و اوراق بهادار موظف است مشخصات و سوابق تحصیلی و تجربی مدیران یادشده را در پایگاه اطلاعاتی مذکور ثبت کند و عملکرد آنها را از حیث رعایت قوانین و مقررات حاکم بر بازار اوراق بهادار و سوابق تخلفاتی و کیفری مربوط به آنها در طول مدیریت در نهادهای مالی و ناشران اوراق بهادار بر اساس ترتیبات اجرایی که به تصویب شورای عالی بورس و اوراق بهادار می‌رسد منتشر نماید.

ماده ۶۲. کلیه معاملات راجع به اموال غیرمنقول ثبت‌شده مانند بیع، صلح، اجاره، رهن و نیز وعده یا تعهد به انجام این‌گونه معاملات باید به‌طور رسمی در دفاتر اسناد رسمی تنظیم شود. اسناد عادی که درخصوص معاملات راجع به اموال غیرمنقول تنظیم شوند مگر اسنادی که بر اساس تشخیص دادگاه دارای اعتبار شرعی است در برابر اشخاص ثالث غیرقابل استناد بوده و قابلیت معارضه با اسناد رسمی را ندارند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ماده ۶۴- تمامی معاملات و قراردادهای خارجی دولتی که بیش از ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) دلار باشد با رعایت قوانین مربوط از جمله قانون «حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آن در امر صادرات و اصلاح ماده (۱۰۴) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۱/۵/۱» تنها از طریق مناقصه محدود و یا بین‌المللی با درج آگهی در روزنامه‌های کثیرالانتشار و رسانه‌های الکترونیکی داخلی و خارجی انجام و منعقد می‌شود. موارد استثناء به تأیید کمیته سه‌نفره متشکل از وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس سازمان برنامه‌بودجه کشور و وزیر مربوطه یا بالاترین مقام اجرائی ذی‌ربط می‌رسد. در کلیه مناقصه‌ها، حق کنترل و بازرسی کمی و کیفی و کنترل قیمت برای کلیه کالاهای وارداتی و پروژه‌ها برای خریدار محفوظ است. وزیر یا بالاترین مقام اجرائی ذی‌ربط، مسئول حسن اجرای این موضوع است. بانک مرکزی فقط مجاز به تعهد یا پرداخت بهای معاملات و قراردادهایی است که تأیید بالاترین مقام دستگاه‌های اجرائی، مبنی بر رعایت مفاد این ماده را داشته باشد.

قراردادهایی که به تشخیص هیأت وزیران ماهیت محرمانه دارند از شمول این حکم مستثنی بوده و نیاز به طرح و تأیید موضوع در هیأت مذکور را ندارند.

✍ در این بخش فقط به آن دسته از قوانین خاصی که متفاوت بین این دو آزمون است پرداخته می‌شود و داوطلبینی که تمایل به شرکت در آزمون مرکز وکلا را ندارند نیاز به مطالعه این بخش نخواهند داشت.

۱- قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی

ماده واحده- شرکت‌های خارجی که در کشور محل ثبت خود شرکت قانونی شناخته می‌شوند، مشروط به عمل متقابل از سوی کشور متبوع، می‌توانند در زمینه‌هایی که توسط دولت جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شود در چهارچوب قوانین و مقررات کشور به ثبت شعبه یا نمایندگی خود اقدام کنند.

تبصره - آئین‌نامه اجرایی این قانون بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی با هماهنگی سایر مراجع ذی‌ربط به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

۲- قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران

اهداف بخش تعاونی عبارتست از:

- ۱- ایجاد و تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به‌منظور رسیدن به اشتغال کامل.
 - ۲- قرار دادن وسائل کار در اختیار کسانی که قادر بکارند ولی وسائل کار ندارند.
 - ۳- پیشگیری از تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص جهت تحقق عدالت اجتماعی.
 - ۴- جلوگیری از کارفرمای مطلق شدن دولت.
 - ۵- قرار گرفتن مدیریت و سرمایه و منافع حاصله در اختیار نیروی کار و تشویق بهره‌برداری مستقیم از حاصل کار خود.
 - ۶- پیشگیری از انحصار، احتکار، تورم و اضرار به غیر.
 - ۷- توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی بین همه مردم.
 - ۸- کمک به تأمین عدالت اجتماعی و توانمندسازی اقشار متوسط و کم‌درآمد
 - ۹- ارتقای کارآیی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری و افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی
- * شرکت‌هایی که با رعایت مقررات این قانون تشکیل و به ثبت برسند تعاونی شناخته می‌شوند.
- حداقل و حداکثر تعداد عضو در تعاونی‌ها به نسبت سرمایه و فرصت اشتغال و نوع فعالیت و رعایت اصل عدم تمرکز و تداول ثروت به وسیله آئین‌نامه‌ای تعیین می‌شود که به تصویب وزارت تعاون می‌رسد ولی در هر صورت تعداد اعضاء نباید کمتر از ۷ نفر باشد.

-عضو در شرکت‌های تعاونی شخصی است؛ حقیقی یا حقوقی غیردولتی

- شرایط عضویت در تعاونی‌ها عبارتست از:

- ۱- تابعیت جمهوری اسلامی ایران.
- ۲- عدم ممنوعیت قانونی و حجر.
- ۳- خرید حداقل سهام مقرر در اساسنامه.
- ۴- درخواست کتبی عضویت و تعهد رعایت مقررات اساسنامه تعاونی.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۵ - عدم عضویت در تعاونی مشابه.

* خروج عضو از تعاونی اختیاریست و نمی‌توان آن را منع کرد.

• در موارد زیر عضو از تعاونی اخراج می‌شود:

۱ - از دست دادن هر یک از شرایط عضویت مقرر در این قانون.

۲ - عدم رعایت مقررات اساسنامه و سایر تعهدات قانونی پس از دو اخطار کتبی توسط هیأت مدیره به فاصله ۱۵ روز و گذشتن ۱۵ روز از تاریخ اخطار دوم با تصویب مجمع عمومی عادی.

۳ - ارتکاب اعمالی که موجب زیان مادی تعاونی شود و وی نتواند ظرف مدت یک سال آن را جبران نماید یا اعمالیکه به حیثیت و اعتبار تعاونی لطمه وارد کند یا با تعاونی رقابتی ناسالم بنماید.

تشخیص موارد فوق بنا به پیشنهاد هر یک از هیأت مدیره یا بازرسان و تصویب مجمع عمومی خواهد بود.

- شرکت‌های تعاونی شرکت‌هایی است که تمام یا حداقل ۵۱٪ سرمایه به‌وسیله اعضاء در اختیار شرکت تعاونی قرار می‌گیرد و وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت و تحت پوشش دولت، بانک‌ها، شهرداری‌ها، شوراهای اسلامی کشوری، بنیاد مستضعفان و سایر نهادهای عمومی می‌توانند جهت اجرای بند ۲ اصل ۴۳ از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر از قبیل مشارکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، اجاره، اجاره به شرط تملیک، بیع شرط، فروش اقساطی، صلح، اقدام به کمک در تأمین و یا افزایش سرمایه شرکت‌های تعاونی نمایند بدون آنکه عضو باشند.

- سهم اعضاء در تأمین سرمایه شرکت‌های تعاونی برابر است مگر مجمع عمومی تصویب نماید که اعضاء سهم بیشتری تأدیه نمایند که در این صورت حداقل و حداکثر سهم‌ها باید در حدودی باشد که وزارت تعاون متناسب با نوع و تعداد اعضاء تعاونی‌ها تعیین می‌نماید.

- هر تعاونی وقتی ثبت و تشکیل می‌شود که حداقل یک‌سوم سرمایه آن تأدیه و در صورتیکه بصورت نقدی و جنسی باشد تقویم و تسلیم شده باشد.

- عضو یا اعضای تعاونی می‌توانند با رعایت مقررات این قانون سهم خود را به سایر اعضاء و یا افراد جدید واجد شرایط واگذار نمایند.

- مسئولیت مالی اعضاء در شرکت‌های تعاونی محدود به میزان سهم آنان می‌باشد مگر آنکه در قرارداد ترتیب دیگری شرط شده باشد.

- ماده ۲۵ - سود خالص شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی در هر سال مالی به ترتیب زیر تقسیم می‌شود:

۱ - از حداقل پنج درصد (۵٪) به بالا با تصویب مجمع عمومی عادی به‌عنوان ذخیره تعاونی به حساب ذخیره قانونی منظور می‌شود:

تبصره ۱ - ذخیره قانونی تا زمانی که مبلغ کل ذخیره حاصل از درآمدهای مذکور به میزان یک‌چهارم معدل سرمایه سه سال اخیر شرکت نرسیده باشد الزامی است.

تبصره ۲ - تعاونی‌ها می‌توانند تا حداکثر یک‌دوم ذخیره قانونی را جهت افزایش سرمایه خود بکار ببرند.

۲ - حداکثر پنج درصد از سود خالص به‌عنوان اندوخته احتیاطی به پیشنهاد هیأت مدیره و تصویب مجمع عمومی عادی به حساب مربوط منظور می‌گردد و نحوه مصرف آن با تصویب مجمع عمومی عادی است.

۴ - درصدی از سود جهت پاداش به اعضاء، کارکنان، مدیران و بازرسان به پیشنهاد هیأت مدیره و تصویب مجمع عمومی عادی تخصیص داده می‌شود.

۵ - پس از کسر وجوه فوق باقیمانده سود خالص به ترتیبی که در اساسنامه و شرایط ضمن عقد پذیرفته می‌شود تقسیم می‌گردد.

ماده ۲۶ - تعاونی‌های تولید شامل تعاونی‌هایی است که در امور مربوط به کشاورزی، دامداری، دام‌پروری، پرورش و صید ماهی، شیلات، صنعت، معدن، عمران شهری و روستائی و عشایری و نظایر این‌ها فعالیت می‌نمایند.

تبصره - تعاونی‌های تولید در کلیه اولویت‌ها و حمایت‌های مربوط به تعاونی‌ها حق تقدم دارند.

ماده ۲۷ - تعاونی‌های توزیع عبارتند از تعاونی‌هایی که نیاز مشاغل تولیدی و یا مصرف‌کنندگان عضو خود را در چهارچوب مصالح عمومی و بمنظور کاهش هزینه‌ها و قیمت‌ها تأمین می‌نمایند.

تبصره - تعاونی‌های توزیع مربوط به تأمین کالا و مسکن و سایر نیازمندی‌های روستائیان و عشایر و کارگران و کارمندان از نظر گرفتن سهمیه کالا و حمایت‌های دولتی و بانکی و سایر حمایت‌های مربوط به امور تهیه و توزیع اولویت دارند.

- ارکان تعاونی
- ۱- مجمع عمومی
 - ۲- هیأت مدیره
 - ۳- بازرس یا بازرسان

-مجمع عمومی که بر اساس این قانون بالاترین مجمع اتخاذ تصمیم و نظارت در امور شرکت‌های تعاونی می‌باشد، از اجتماع اعضای تعاونی یا نمایندگان تام‌الاختیار آن‌ها بصورت عادی و فوق‌العاده تشکیل می‌شود و هر عضو بدون در نظر گرفتن میزان سهم فقط دارای یک رأی است.

-هیأت مؤسس عبارتست از؛ عده‌ای از افراد واجد شرایط عضویت در تعاونی مربوط که اقدام به تأسیس تعاونی می‌نمایند.

- وظایف هیات مؤسس
- ۱- تهیه و پیشنهاد اساسنامه طبق قانون و مقررات.
 - ۲- دعوت به عضویت افراد واجد شرایط.
 - ۳- تشکیل اولین مجمع عمومی عادی جهت تصویب و ثبت اساسنامه و تعیین هیأت مدیره و سایر وظایف مجمع عمومی عادی.

- ✓ پس از تشکیل اولین جلسه رسمی مجمع عمومی عادی و تعیین هیأت مدیره وظایف هیأت مؤسس خاتمه می‌یابد.
- ✓ اعضای که با مصوبه اولین جلسه مجمع عمومی عادی در مورد اساسنامه موافقت نداشته باشند می‌توانند در همان جلسه تقاضای عضویت خود را پس بگیرند.
- ✓ تصویب اساسنامه تعاونی با حداقل دوسوم اعضاء اولین مجمع عمومی عادی می‌باشد.
- ✓ مجمع عمومی عادی حداقل سالی یک بار پس از پایان سال مالی جهت انجام وظیفه قانونی خود تشکیل می‌شود. در موارد ضروری در هر موقع سال می‌توان مجمع عمومی عادی را به صورت فوق‌العاده تشکیل داد.
- ✓ جلسات مجمع عمومی عادی در نوبت اول با حضور اکثریت اعضاء رسمیت می‌یابد و در صورت عدم حصول حد نصاب مزبور، در نوبت دوم با حضور هر تعداد از اعضاء رسمی خواهد بود.
- ✓ مجامع عمومی شرکت‌های تعاونی فرا استانی و یا شرکت‌هایی که تعداد اعضاء آن‌ها افزون بر پانصد عضو بوده و در مناطق مختلف کشور پراکنده می‌باشند می‌توانند به صورت دومرحله‌ای برگزار گردد. در مرحله اول نماینده یا نمایندگان اعضاء تعاونی در حوزه‌های مختلف فعالیت شرکت تعیین و در مرحله دوم، مجمع عمومی با حضور نمایندگان منتخب اعضاء تشکیل خواهد شد. چگونگی انتخاب نماینده یا نمایندگان در مرحله اول و حدود اختیارات و نحوه اعمال رأی آن‌ها در مرحله دوم مجمع عمومی بر اساس دستورالعملی خواهد بود که از سوی وزارت تعاون ابلاغ می‌گردد.

• وظایف و اختیارات مجمع عمومی عادی به شرح زیر است:

- ۱ - انتخاب هیأت مدیره و بازرس یا بازرسان.
- ۲ - رسیدگی و اتخاذ تصمیمی درباره ترازنامه و حساب سود و زیان و سایر گزارش‌های مالی هیأت مدیره پس از قرائت گزارش بازرس یا بازرسان.
- ۳ - تعیین خط‌مشی و برنامه تعاونی و تصویب بودجه جاری و سرمایه‌گذاری و اعتبارات و وام‌های درخواستی و سایر عملیات مالی به پیشنهاد هیأت مدیره.
- ۴ - اتخاذ تصمیم نسبت به افزایش و یا کاهش سرمایه در حدود قوانین و مقررات.
- ۵ - اخذ تصمیم نسبت به ذخایر و پرداخت سود و مازاد درآمد و تقسیم آن طبق اساسنامه.
- ۶ - تصویب مقررات و دستورالعمل‌های داخلی تعاونی.
- ۷ - سایر وظایفی که قوانین و مقررات بر عهده مجمع عمومی قرار می‌دهد.
- ۸ - تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی‌های شرکت
- ۹ - اتخاذ تصمیم در مورد عضویت شرکت تعاونی در شرکت‌ها و اتحادیه‌ها و اتاق‌های تعاون و میزان سهام و یا حق عضویت سالانه پرداختی بر اساس موازین مقرر در این قانون.



- ۱- به منظور تغییر مواد در اساسنامه (در حدود این قانون) تعاونی
 ۲- تصمیم گیری نسبت به عزل یا قبول استعفای هیأت مدیره تشکیل
 ۳- انحلال یا ادغام می گردد.

★ مجمع عمومی فوق العاده بنا به؛

+ تقاضای کتبی حداقل یک سوم اعضاء تعاونی و یا اکثریت مطلق اعضاء هیأت مدیره و یا بازرس یا بازرسان با حضور حداقل دوسوم اعضاء کل مجمع تشکیل می شود.

+ در صورتیکه بار اول با دوسوم اعضاء تشکیل نشود، بار دوم با نصف بعلاوه یک رسمیت خواهد داشت و در نوبت سوم با هر تعداد شرکت کننده رسمیت خواهد یافت.

• هیأت مدیره

اداره امور تعاونی، طبق اساسنامه بر عهده هیأت مدیره ای مرکب از سه، پنج یا هفت نفر عضو اصلی و دو، سه یا چهار نفر عضو علی البدل است که از بین اعضاء برای مدت سه سال انتخاب می شوند. انتخاب اعضاء اصلی و علی البدل در یک نوبت به عمل می آید و دارندگان اکثریت نسبی آراء بعد از اعضاء اصلی به ترتیب اعضاء علی البدل محسوب می شوند. انتخاب بیش از دو دوره متوالی با انتخاب حداقل دوسوم اعضاء حاضر در مجمع عمومی بلامانع است.

- هیأت مدیره در اولین جلسه از میان خود یک نفر را به عنوان رئیس هیأت مدیره، یک نفر را به عنوان نائب رئیس و یک یا دو نفر را به عنوان منشی انتخاب می کند.

- اعضاء هیأت مدیره می توانند با تصویب مجمع عمومی حقوق و مزایا دریافت نمایند. در صورتی که عضو هیأت مدیره از محل دیگری حقوق می گیرد در تعاونی مربوط صرفاً حق جلسه و پاداش دریافت می کند.

• وظایف و اختیارات هیأت مدیره به شرح زیر می باشد:

۱ - دعوت مجمع عمومی (عادی - فوق العاده).

۲ - اجرای اساسنامه و تصمیمات مجمع عمومی و سایر مقررات مربوط.

۳ - نصب و عزل و قبول استعفای مدیرعامل و نظارت بر عملیات وی و پیشنهاد میزان حقوق مدیرعامل به مجمع عمومی.

۴ - قبول درخواست عضویت و اخذ تصمیم نسبت به انتقال سهم اعضاء به یکدیگر و دریافت استعفای هر یک از اعضاء هیأت مدیره.

۵ - نظارت بر مخارج جاری تعاونی و رسیدگی به حسابها و ارائه به بازرس یا بازرسان و تسلیم به موقع گزارش مالی و ترازنامه تعاونی به مجمع عمومی.

۶ - تهیه و تنظیم طرحها و برنامهها و بودجه و سایر پیشنهادات و ارائه آن به مجمع عمومی جهت اتخاذ تصمیم.

۷ - تعیین نماینده از بین اعضاء تعاونی برای حضور در جلسات مجامع عمومی شرکتها و اتحادیههایی که تعاونی در آنها مشارکت دارد.

۸ - تهیه و تنظیم دستورالعملهای داخلی تعاونی و تقدیم آن به مجمع عمومی برای تصویب.

۹ - تعیین نماینده و یا وکیل در دادگاهها و مراجع قانونی و سایر سازمانها با حق توکیل.

۱۰ - تعیین و معرفی صاحبان امضای مجاز (یک یا دو نفر از اعضاء هیأت مدیره به اتفاق مدیرعامل) برای قراردادهای و اسناد تعهدآور تعاونی.

هیأت مدیره وظایف خود را بصورت جمعی انجام می دهد و هیچ یک از اعضاء هیأت مدیره حق ندارد از اختیارات هیأت، منفرداً استفاده کند مگر در موارد خاص که وکالت یا نمایندگی کتبی از طرف هیأت مدیره داشته باشد.

هیأت مدیره می تواند قسمتی از اختیارات خود را با اکثریت سه چهارم آراء به مدیرعامل تفویض نماید.

• شرایط اعضاء هیأت مدیره، هیأت رئیسه، مدیرعامل و بازرسان:

۱- ایمان و تعهد به اسلام (در تعاونیهای متشکل از اقلیتهای دینی شناخته شده در قانون اساسی، شرط وثاقت و امانت)

۲- نداشتن منع قانونی و محجور نبودن

۳- عدم عضویت در گروههای محارب و عدم ارتکاب جرائم علیه امنیت کشور و عدم محکومیت به جعل اسناد

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

۴- عدم سابقه محکومیت به ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری، خیانت در امانت، تدلیس، تصرف غیرقانونی در اموال دولتی و ورشکستگی به تقصیر. -مجمع عمومی، بازرس یا بازرسانی را اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی و برای مدت یک سال مالی انتخاب می کند، انتخاب مجدد آنان بلامانع است. حق الزحمه و پاداش بازرس یا بازرسان با تصویب مجمع عمومی تعیین می گردد.

• وظایف بازرس یا بازرسان تعاونی بشرح زیر است:

- ۱ - نظارت مستمر بر انطباق نحوه اداره امور تعاونی و عملیات و معاملات انجام شده با اساسنامه و قوانین و مقررات و دستورالعملهای مربوطه.
 - ۲ - رسیدگی به حسابها، دفاتر، اسناد، صورت های مالی از قبیل ترازنامه و حساب های عملکرد و سود و زیان، بودجه پیشنهادی و گزارشات هیأت مدیره به مجمع عمومی.
 - ۳ - رسیدگی به شکایات اعضاء و ارائه گزارش به مجمع عمومی و مراجع ذی ربط.
 - ۴ - تذکر کتبی تخلفات موجود در نحوه اداره امور تعاونی به هیأت مدیره و مدیرعامل و تقاضای رفع نقص.
 - ۵- نظارت بر انجام حسابرسی و رسیدگی به گزارش های حسابرسی و گزارش نتیجه رسیدگی به مجمع عمومی شرکت و مراجع ذی ربط
- * بازرس یا بازرسان حق دخالت مستقیم در اداره امور تعاونی را نداشته ولی می توانند بدون حق رأی در جلسات هیأت مدیره شرکت کنند و نظرات خود را نسبت به مسائل جاری تعاونی اظهار دارند.
- شرکت های تعاونی می توانند در صورت تصویب مجامع عمومی فوق العاده و طبق مقررات آئین نامه اجرائی این قانون با یکدیگر ادغام شوند.

• **شرکت ها و اتحادیه های تعاونی در موارد زیر منحل می شوند:**

- ۱ - تصمیم مجمع عمومی فوق العاده.
- ۲ - کاهش تعداد اعضاء از حد نصاب مقرر در صورتیکه حداکثر ظرف مدت ۳ ماه تعداد اعضاء به نصاب مقرر نرسیده باشد.
- ۳ - انقضای مدت تعیین شده در اساسنامه مربوط در صورتیکه در اساسنامه مدت تعیین شده باشد و مجمع عمومی مدت را تمدید نکرده باشد.
- ۴ - توقف فعالیت بیش از یک سال بدون عذر موجه.
- ۵ - عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط پس از ۳ بار اخطار کتبی در سال به وسیله وزارت تعاون بر طبق آئین نامه مربوط.
- ۶ - ورشکستگی طبق قوانین مربوط.

فصل چهارم – قوانین خاص حقوق مجازات اسلامی

بخش اول - قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری

➤ ماده ۱- تعریف کلاهبرداری و مجازات اصلی

- هر کس با حيله و تقلب و با شیوه‌هایی مانند:
 - معرفی شرکت، تجارتخانه، کارخانه یا مؤسسه موهوم
 - ادعای داشتن اموال یا اختیارات واهی
 - امیدوار کردن مردم به امور غیرواقع
 - ترساندن از حوادث غیرواقع
 - استفاده از اسم یا عنوان مجعول
 - یا سایر وسایل متقلبانه
- و جوه، اموال، اسناد، حواله، قبوض، مفاسحساب و ... را تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد، کلاهبردار محسوب می‌شود.
- مجازات:

- رد اصل مال به صاحب آن
- حبس: ۱ تا ۷ سال
- جزای نقدی: معادل مالی که اخذ کرده است.

📌 موارد تشدید مجازات

- اگر مرتکب:

- بر خلاف واقع عنوان یا سمت مأموریت از طرف سازمان‌ها یا مؤسسات دولتی، وابسته به دولت، شرکت‌های دولتی، شوراها، شهرداری‌ها، نهادهای انقلابی، قوای سه‌گانه، نیروهای مسلح یا مؤسسات مأمور به خدمت عمومی اتخاذ کند
 - یا جرم را با استفاده از تبلیغ عامه از طریق رسانه‌ها (رادیو، تلویزیون، روزنامه، مجله، نطق در مجامع، آگهی چاپی یا خطی) انجام دهد.
 - یا از کارکنان دولت، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت، شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی باشد.
- مجازات تشدید:

- رد اصل مال به صاحب آن
- حبس: ۲ تا ۱۰ سال
- انفصال ابد از خدمت دولتی
- جزای نقدی: معادل مالی که اخذ کرده است.

تبصره ۲- مجازات شروع به کلاهبرداری

- مجازات شروع به کلاهبرداری، حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود.
- در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد، شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شود.

مجازات مستخدمان دولتی:

- چنانچه مرتکب در مرتبه مدیرکل یا بالاتر یا هم‌تراز آن‌ها باشد: انفصال دائم از خدمات دولتی.
 - چنانچه مرتکب در مراتب پایین‌تر باشد: به ۶ ماه تا ۳ سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می‌شود.
- ماده ۱۳ قانون جرائم رایانه‌ای- (جزای نقدی اصلاحی ۳۰/۳/۱۴۰۳)- هر کس به طور غیرمجاز از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی با ارتکاب اعمالی از قبیل وارد کردن، تغییر، محو، ایجاد یا متوقف کردن داده‌ها یا مختل کردن سامانه، وجه یا مال یا منفعت یا خدمات یا امتیازات مالی برای خود یا

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

دیگری تحصیل کند علاوه بر رد مال به صاحب آن به حبس از یک تا پنج سال یا جزای نقدی از صد و شصت و پنج میلیون (۱۶۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا هشتصد و بیست و پنج میلیون (۸۲۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

← رأی وحدت رویه شماره ۸۵۳ مورخ ۱۷/۰۷/۱۴۰۳:

خلاصه: طبق ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اصل بر صلاحیت محلی، اصل بر صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم است. بدین جهت در جرم کلاهبرداری غیر رایانه‌ای، هرگاه زیان دیده بر اثر فریب و رفتار متقلبانه، وجهی از حساب خود به حساب تعرفه شده بزهکار انتقال داده باشد، نظر به اینکه با انتقال وجه از حساب زیان دیده، مال از سیطره و تسلط او خارج می‌شود، لذا دادگاهی که محل افتتاح حساب شاکی در حوزه قضایی آن قرار دارد، صالح به رسیدگی است.

← رأی وحدت رویه شماره ۸۳۸ مورخ ۱۶/۰۸/۱۴۰۲:

خلاصه: با توجه به ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و

کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ که عبارت «پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است» را بیان کرده است و با عنایت به ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که مجازات شریک جرم را مجازات فاعل مستقل قرار داده است: ۱- در صورتی که کلاهبرداری با مشارکت دو یا چند نفر انجام شده باشد، جزای نقدی هر یک از شرکای جرم به میزان سهم او از مال اخذ شده تعیین خواهد شد. ۲- صدور حکم به پرداخت جزای نقدی معادل کل مبلغ مورد کلاهبرداری برای هر یک از شرکا، تعیین مجازاتی بیش از میزان مقرر قانونی است. ۳- در مواردی که سهم هر یک از شرکا دقیقاً معلوم نباشد، میزان جزای نقدی به صورت مساوی بین آنان تعیین می‌گردد.

➤ اعمال مجرمانه مشمول ماده ۲

• خریدوفروش امتیازات ویژه که به اشخاص خاص به دلیل داشتن شرایط خاص اعطا می‌شود، مانند:

- جواز صادرات و واردات

- موافقت اصولی (در عرف)

• سوءاستفاده از این امتیازات

• تقلب در توزیع کالاهایی که باید طبق ضوابط تعیین شده توزیع شوند.

• به طور کلی، تحصیل مال یا وجه به طریقی که فاقد مشروعیت قانونی باشد.

مجازات: علاوه بر رد اصل مال به مجازات سه ماه تا دو سال حبس و یا جریمه نقدی معادل دو برابر مال به دست آمده محکوم خواهد شد.

تبصره: در موارد مذکور در این ماده، در صورت وجود جهات تخفیف و تعلیق، دادگاه

مکلف به رعایت مقررات تبصره ۱ ماده ۱ این قانون خواهد بود.

➤ تعریف جرم ارتشاء (ماده ۳)

• هر یک از کارکنان یا مأموران دولت (قضایی، اداری، شوراها، شهرداری‌ها، نهادهای انقلابی، قوای سه‌گانه، نیروهای مسلح، شرکت‌های دولتی، سازمان‌های وابسته، یا مأموران خدمات عمومی رسمی یا غیررسمی)

• در قبال انجام یا ترک عملی مرتبط با سازمان متبوع، وجه، مال یا سند مالی را مستقیم یا غیرمستقیم قبول کند

فرقی ندارد:

- آن عمل جزو وظایف قانونی او باشد یا نباشد.

- انجام یا ترک آن مطابق حق و وظیفه باشد یا نباشد.

- در نتیجه کار مؤثر باشد یا نباشد.

مجازات و آثار

۱- مال ناشی از ارتشاء: به نفع دولت ضبط می‌شود.

۲- امتیاز ناشی از رشوه: لغو خواهد شد.

معافیت‌ها و تخفیف‌ها برای راشی (رشوه‌دهنده)

- اگر پیش از کشف جرم مأموران را از وقوع بزه آگاه سازد ← از مجازات مالی معاف است و امتیاز لغو می‌شود.
- اگر در جریان تعقیب با اقرار خود موجب تسهیل تعقیب مرتشی شود ← تا نصف مال پرداختی به او بازگردانده می‌شود و امتیاز لغو می‌گردد.

➤ ماده ۴: تشکیل یا رهبری شبکه در ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری

کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه‌ای چند نفری به امر ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند، به مجازات‌های زیر محکوم خواهند شد:

مجازات‌ها:

- ۱- ضبط کلیه اموال منقول و غیرمنقولی که از طریق رشوه کسب کرده‌اند به نفع دولت.
- ۲- استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد.
- ۳- جزای نقدی معادل مجموع آن اموال
- ۴- انفصال دائم از خدمات دولتی
- ۵- حبس از پانزده سال تا ابد
- ۶- در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند، مجازات آن‌ها مجازات مفسد فی الارض خواهد بود.

بخش دوم - قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر

➤ ماده ۱- تعریف جرم:

هر کس مال غیر را، با علم به غیر بودن آن و بدون مجوز قانونی، اعم از عین یا منفعت، به دیگری منتقل کند، کلاهبردار محسوب و طبق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی مجازات می‌شود.

شمول برای انتقال گیرنده:

اگر انتقال گیرنده در حین معامله بداند که انتقال دهنده مالک نیست، او نیز مشمول همین حکم است.

تکلیف مالک واقعی:

اگر مالک از معامله مطلع شود و ظرف یک ماه از تاریخ اطلاع، اظهاریه رسمی به انتقال گیرنده برای اعلام مالکیت خود به اداره ثبت اسناد، دفتر دادگاه، صلحیه یا هر دایره دولتی دیگر تسلیم نکند، معاون جرم محسوب می‌شود. مراجع مذکور مکلف به صدور رسید و ابلاغ فوری اظهاریه هستند.

➤ ماده ۲- دامنه شمول:

مربوط به انتقالاتی که قبل از اجرای این قانون به طریق مذکور در ماده ۱ واقع شده باشد.

۱- تکالیف اشخاص:

الف- انتقال دهنده: ظرف ۳ ماه از تاریخ اجرای قانون باید:

مالک را به تنفیذ انتقال وادار کند یا خسارت وارده به انتقال گیرنده و مالک را جبران کند.

ب- انتقال گیرنده (عالم به عدم مالکیت انتقال دهنده در زمان معامله):

ظرف ۳ ماه باید خسارت وارده به مالک را جبران نماید.

ج- مالک:

۱- اگر قبل از قانون مطلع بوده: ظرف ۳ ماه از تاریخ اجرای قانون باید انتقال گیرنده یا قائم مقام او را مطابق ماده ۱ از مالکیت خود آگاه کند.

۲- اگر بعد از اجرای قانون مطلع شود: ظرف ۳ ماه از تاریخ اطلاع باید اقدام کند.

★ متخلف از مقررات ماده ۲ اگر انتقال دهنده یا انتقال گیرنده باشد کلاهبردار و اگر مالک باشد معاون مجرم محسوب و مطابق مقررات قانون مجازات عمومی محکوم خواهد شد. علاوه بر مجازات مذکور، مجرم باید مادام که خسارت وارده بر مدعی خصوصی را جبران نکرده است در توقیف بماند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

✓ سایر نکات:

۱- در انتقالاتی که قبل از اجرای قانون واقع شده باشد:

تعقیب کیفری مرتکب ← منوط به شکایت مدعی خصوصی است.

استرداد شکایت پس از طرح آن ← مانع تعقیب نیست.

۲- نسبت به انتقالاتی که قبل از این قانون واقع شده هرگاه قبل از شروع به تعقیب جزایی حق دعوی حقوقی مالک یا انتقال گیرنده به واسطه مرور زمان یا صدور سند رسمی مالکیت ساقط شده باشد مقررات این قانون مجرا نخواهد بود.

۳- کسانی که معاملات تقلبی موضوع مواد فوق را با سند رسمی انجام دهند، جاعل در اسناد رسمی محسوب و طبق قوانین مربوط مجازات می شوند. مثال- انتقال مال متعلق به دیگری توسط شخص (الف) به شخص (ب) در دفترخانه اسناد رسمی: آیا این عمل طبق ماده ۱ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر، به عنوان فروش و خرید مال غیر تلقی می شود یا طبق ماده ۸ همان قانون، به عنوان مشارکت در جعل سند رسمی از طریق ثبت معامله تقلبی است؟

عبارت «منتقل کند» در ماده ۱، شامل هر نوع انتقال؛ شفاهی، کتبی با هر نوع سند می باشد. همچنین، در صورت انتقال مال غیر با سند رسمی، عمل مرتکب به عنوان جعل نیز شناخته می شود و مجازات بر اساس مقررات تعدد معنوی جرم تعیین می گردد. ماده ۸ برای این حالت وضع شده تا در انتقال مال غیر با سند رسمی، مجازات تشدید شود.

۴- بررسی انتقال مال غیر و معامله معارض

معامله اول	معامله دوم	نتیجه
سند رسمی	سند عادی	انتقال مال غیر
سند عادی	سند عادی	انتقال مال غیر
سند رسمی	سند رسمی	معامله معارض
سند عادی	سند رسمی	مال منقول؛ معامله معارض مال غیر منقول؛ انتقال مال غیر

بخش سوم- قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می نمایند:

اشخاصی که به عنوان شخص ثالث در دعوایی وارد شده یا به عنوان شخص ثالث بر حکمی اعتراض کرده یا بر محکوم به حکمی مستقیماً اقامه دعوی نمایند و این اقدامات آن ها ناشی از تبانی با یکی از اصحاب دعوی برای بردن مال یا تضییع حق طرف دیگر دعوی باشد کلاهبردار محسوب و علاوه بر تأدیه خسارات وارده به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهند بود.

تبانی هر یک از طرفین دعوای اصلی با اشخاص فوق نیز در حکم کلاهبرداری است و مرتکب به مجازات مذکوره محکوم می گردد.

بخش چهارم- قانون مبارزه با پولشویی

✓ جرم منشأ: هر رفتاری که طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی جرم باشد. تخلفات قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز جرم محسوب می شود.

✓ مال حاصل از جرم: مالی که مستقیم یا غیرمستقیم از جرم منشأ به دست آید؛ اعم از جرائم اقتصادی یا تأمین مالی تروریسم.

✓ مال موضوع جرم یا مالی که برای ارتکاب آن اختصاص یافته، نیز در حکم مال حاصل از جرم است.

✎ پولشویی شامل موارد زیر است:

1- تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید جرم با علم به منشأ مجرمانه.

2- تبدیل، مبادله یا انتقال عواید جرم برای پنهان کردن منشأ آن یا کمک به مرتکب برای فرار از تبعات قانونی.

3- پنهان یا کتمان کردن منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال، جابه جایی یا مالکیت عواید حاصل از جرم.

-چنانچه ظن نزدیک به علم بر تحصیل مال از طریق نامشروع وجود داشته باشد در حکم مال نامشروع محسوب و مرتکب در صورتی که مشمول مجازات شدیدتری نباشد به حبس درجه شش محکوم می شود. در هر صورت مال مزبور ضبط خواهد شد مگر اینکه تحصیل مشروع آن اثبات شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

-پرداخت ریال در داخل و دریافت ارز در خارج بدون تشریفات قانونی، قاچاق محسوب نمی‌شود و مشمول قانون اخلاگران در نظام اقتصادی نیز نیست. تشخیص انطباق این رفتار با جرم پولشویی موضوع ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ بر عهده مرجع قضایی است. تا زمانی که منشأ مجرمانه وجوه (مستقیم یا غیرمستقیم) ثابت نشود، تعقیب قانونی ممکن نیست. طبق ماده ۷۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲، صلاحیت مراجع قضایی در این زمینه لغو و رسیدگی به جرائم و تخلفات قاچاق بر اساس مواد ۴۴ و ۴۵ همان قانون انجام می‌شود.

➤ ماده ۳ قانون مبارزه با پولشویی

عواید حاصل از جرم به معنای هر نوع مال یا امتیازی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از ارتکاب جرائم، اعم از جرائم منشأ و پولشویی، به دست آمده باشد.

تبصره ۱ - جرم منشأ موضوع این ماده اعم است از اینکه در داخل یا در خارج از کشور واقع شده باشد مشروط بر اینکه جرم واقع شده در خارج از کشور جمهوری اسلامی ایران نیز مطابق قانون جرم باشد.

تبصره ۲ - کلیه آلات و ادواتی که در فرآیند جرم پولشویی وسیله ارتکاب جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص یافته و در هر مرحله از مراحل تعقیب و رسیدگی به دست آید در صورت احراز اطلاع مالک از قصد مجرمانه مرتکب توقیف می‌شود. این ابزار و اموال از لحاظ شیوه نگهداری و سایر امور تابع مقررات ماده (۱۴۷) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۴/۱۲/۱۳۹۲ خواهد بود.

➤ ماده ۴ قانون مبارزه با پولشویی

به منظور هماهنگی برای پیشگیری و مقابله با جرائم پولشویی و تأمین مالی تروریسم،

شورای عالی مقابله و پیشگیری از جرائم پولشویی و تأمین مالی تروریسم که در این قانون به اختصار شورا نامیده می‌شود، به ریاست وزیر امور اقتصادی و دارایی و با عضویت وزرای صنعت، معدن و تجارت، اطلاعات، کشور، دادگستری و امور خارجه، نماینده رئیس قوه قضائیه، دادستان کل کشور یا نماینده وی، رئیس سازمان بازرسی کل کشور یا نماینده وی، رئیس سازمان اطلاعات سپاه، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سه نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به‌عنوان ناظر به پیشنهاد کمیسیون‌های اقتصادی، شوراها و امور داخلی کشور و قضائی و حقوقی و تصویب مجلس با وظایف ذیل تشکیل می‌شود:

۱ - تعیین راهبردها و برنامه‌ریزی در جهت اجرای قانون.

۲ - تهیه و پیشنهاد آیین‌نامه‌های لازم در خصوص اجرای قانون برای تصویب به هیأت وزیران.

۳ - هماهنگ کردن دستگاه‌های زیرمجموعه دولت در امر جمع‌آوری، پردازش و تحلیل اخبار، اسناد، مدارک، اطلاعات و گزارش‌های واصله، تهیه سامانه‌های هوشمند و شناسایی معاملات مشکوک و گزارش به مراجع ذی‌ربط جهت انجام اقدامات لازم.

تبصره ۱ - دبیرخانه شورا در وزارت امور اقتصادی و دارایی خواهد بود.

تبصره ۲ - ساختار و تشکیلات اجرائی شورا متناسب با وظایف قانونی آن با پیشنهاد شورا به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

تبصره ۳ - کلیه آیین‌نامه‌های اجرائی شورای فوق‌الذکر پس از تصویب هیأت وزیران برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی ذی‌ربط، با رعایت ماده (۱۴) این قانون لازم‌الاجراء خواهد بود. متخلف از این امر به تشخیص مراجع اداری و قضائی حسب مورد به دو تا پنج سال انفصال از خدمت مربوط یا محرومیت از همان شغل محکوم خواهد شد.

➤ ماده ۸ قانون مبارزه با پولشویی

اطلاعات و اسناد گردآوری شده در اجرای این قانون، صرفاً در جهت کشف و رسیدگی به جرائم استفاده می‌شود. افشای اطلاعات و اسناد یا استفاده از آن‌ها به نفع خود یا دیگری به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط ماموران دولتی یا سایر اشخاص مقرر در این قانون ممنوع بوده و متخلف به مجازات حبس تعزیری درجه پنج محکوم خواهد شد.

➤ ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی

اصل مال و درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم منشأ و جرم پولشویی (و اگر موجود نباشد مثل یا قیمت آن) مرتکبین جرم پولشویی مصادره می‌شود و همچنین چنانچه جمع اموال، درآمد و عواید مذکور تا ده میلیارد (۱۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال باشد به حبس تعزیری درجه پنج و ارقام بیشتر از آن به حبس تعزیری درجه چهار در هر دو مورد علاوه بر مجازات قبل به جزای نقدی معادل وجوه یا ارزش مالی که مورد پولشویی واقع گردیده محکوم می‌شوند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

تبصره ۱ - چنانچه عواید حاصل از جرم به اموال دیگری تبدیل یا تغییر یافته باشد همان اموال و در صورت انتقال به ثالث با حسن نیت، معادل آن از اموال مرتکب ضبط می‌شود.

تبصره ۳ - مرتکبین جرم منشأ در صورت ارتکاب جرم پولشویی علاوه بر مجازات‌های مقرر مربوط به جرم منشأ، به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این قانون نیز محکوم خواهند شد. مرتکبین جرم پولشویی در صورت عدم ارتکاب جرم منشأ صرفاً به مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌شوند.

تبصره ۴ - در صورتی که جرم پولشویی به صورت سازمان‌یافته ارتکاب یابد، موجب تشدید در مجازات به میزان یک درجه خواهد بود.

تبصره ۵ - در صورتی که اشخاص حقوقی مرتکب جرم پولشویی شوند علاوه بر مجازات‌های مقرر در ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی به جزای نقدی معادل دو تا چهار برابر وجوه یا ارزش مالی که مورد پولشویی واقع گردیده محکوم می‌شوند.

- شعبی از دادگاه‌های عمومی در تهران و در صورت نیاز در مراکز استان‌ها به امر رسیدگی به جرم پولشویی و جرائم مرتبط اختصاص می‌یابد. تخصصی بودن شعبه مانع رسیدگی به سایر جرائم نمی‌باشد.

- در مواردی که مرتکب جرم پولشویی از مقامات موضوع مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) قانون آیین دادرسی کیفری و مرتکب جرم منشأ، شخصی غیر از مقامات مذکور باشد، به جرم پولشویی حسب مورد در دادگاه‌های کیفری تهران یا مرکز استان رسیدگی می‌شود.

★ در مواردی که مرتکب جرم پولشویی از مقامات موضوع مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) قانون آیین دادرسی کیفری و مرتکب جرم منشأ، شخصی غیر از مقامات مذکور باشد، به جرم پولشویی حسب مورد در دادگاه‌های کیفری تهران یا مرکز استان رسیدگی می‌شود.

بخش پنجم - قانون جرم سیاسی

ماده ۱ - هر یک از جرائم مصرح در ماده (۲) این قانون چنانچه با انگیزه؛

اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد،

بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود.

ماده ۲ - جرائم زیر در صورت انطباق با شرایط مقرر در ماده (۱) این قانون جرم سیاسی محسوب می‌شوند.

الف - توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس‌جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسئولیت آنان

ب - توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است با رعایت مفاد ماده (۵۱۷) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات.

پ - جرائم مندرج در بندهای (د) و (ه) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده

ت - جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات.

ث. نشر اکاذیب.

• مباشرت، مشارکت، معاونت و شروع به جرائم زیر جرم سیاسی محسوب نمی‌شود:

الف - جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات.

ب - سوء قصد به مقامات داخلی و خارجی.

پ - آدم‌ربایی و گروگان‌گیری.

ت - بمب‌گذاری و تهدید به آن، هواپیماربایی و راهزنی دریایی.

ث - سرقت و غارت اموال، ایجاد حریق و تخریب عمدی.

ج - حمل و نگهداری غیرقانونی، قاچاق و خریدوفروش سلاح، مواد مخدر و روان‌گردان.

چ - رشاء و ارتشاء، اختلاس، تصرف غیرقانونی در وجوه دولتی، پولشویی، اختفای اموال ناشی از جرم مزبور.

ح - جاسوسی و افشای اسرار.

خ - تحریک مردم به تجزیه طلبی، جنگ و کشتار و درگیری.

د - اختلال در داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به کار گرفته شده برای ارائه خدمات ضروری عمومی یا حاکمیتی.

ذ - کلیه جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی اعم از جرائم ارتكابی به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده یا غیر آن.

*تشخیص سیاسی بودن اتهام با دادسرا یا دادگاهی است که پرونده در آن مطرح است.

• موارد زیر نسبت به متهمان و محکومان جرائم سیاسی اعمال می‌شود:

الف - مجزا بودن محل نگهداری در مدت بازداشت و حبس از مجرمان عادی.

ب - ممنوعیت از پوشاندن لباس زندان در طول دوران بازداشت و حبس.

پ - ممنوعیت اجرای مقررات ناظر به تکرار جرم.

ت - غیرقابل استرداد بودن مجرمان سیاسی.

ث - ممنوعیت بازداشت و حبس به صورت انفرادی به جز در مواردی که مقام قضائی بیم تبانی بدهد یا آن را برای تکمیل تحقیقات ضروری بداند

لکن در هر حال مدت آن نباید بیش از پانزده روز باشد.

ج - حق ملاقات و مکاتبه با بستگان طبقه اول در طول مدت حبس.

چ - حق دسترسی به کتب، نشریات، رادیو و تلویزیون در طول مدت حبس.

بخش ششم - قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن

به موجب ماده ۱ این قانون؛ هرکس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر، با هر میزان غلظت موجب جنایت بر نفس، عضو یا منفعت شود در صورت مطالبه از ناحیه مجنی‌علیه یا ولی دم حسب مورد با رعایت شرایط مقرر در کتاب قصاص، به قصاص نفس، عضو یا منفعت محکوم می‌شود.

-در مواردی که اسیدپاشی مشمول مقررات ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ باشد؛ اقدام مرتکب، افساد فی الارض محسوب و به مجازات آن محکوم می‌شود.

هرگاه شخصی مرتکب جرم موضوع این قانون شود و مجازات آن قصاص نباشد یا به هر علتی مانند مصالحه اولیای دم، قصاص اجراء نشود، مرتکب علاوه بر پرداخت دیه یا آرش یا وجه‌المصالحه حسب مورد مطابق مقررات مربوطه، به ترتیب زیر مجازات می‌شود:

الف - در جنایت بر نفس و جنایت منجر به تغییر شکل دائمی صورت بزه‌دیده به حبس تعزیری درجه یک؛

ب - در جنایتی که میزان دیه بیش از نصف دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه دو

پ - در جنایتی که میزان دیه از یک‌سوم تا نصف دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه سه؛

ت - در جنایتی که میزان دیه تا یک‌سوم دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه چهار؛

-در مورد جرائم موضوع این قانون و شروع به آن، مقررات مربوط به؛

آزادی مشروط
تعلیق و تخفیف مجازات
قابل اعمال
نیست.

مگر آنکه بزه‌دیده یا اولیای دم نسبت به مجازات تعزیری مرتکب نیز اعلام گذشت کرده باشند که در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را یک درجه تخفیف دهد.

الف - در صورتی که مجازات قانونی مرتکب، سلب حیات باشد، به

حبس تعزیری درجه دو؛

ب - در صورتی که مجازات قانونی مرتکب، قصاص عضو باشد، به

حبس تعزیری درجه سه؛

پ - در صورتی که مجازات مرتکب قصاص نباشد یا به هر علتی

قصاص نفس یا عضو اجراء نشود، به یک درجه پایین‌تر از مجازات تعزیری مرتکب.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

-در کلیه موارد مذکور در این قانون، مرتکب علاوه بر جبران خسارت‌های مقرر در قانون، ملزم به پرداخت هزینه‌های درمان بزه‌دیده می‌باشد. در صورتی که مرتکب با تشخیص قاضی رسیدگی کننده متمکن از پرداخت هزینه‌های درمان نباشد، هزینه‌های مربوطه از محل صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود.

-سازمان بهزیستی کشور مکلف است با تشخیص قاضی رسیدگی کننده، به بزه‌دیده‌گان موضوع این قانون خدمات روان‌شناختی، مددکاری و توان‌بخشی ارائه کند.

بخش هفتم- مقررات جزایی از قانون ثبت اسناد و املاک (مواد ۱۰۰ تا ۱۱۷)

هر یک از مستخدمین و اجزای ثبت اسناد و املاک و صاحبان دفاتر رسمی عامداً یکی از جرم‌های ذیل را مرتکب شود جاعل در اسناد رسمی محسوب و به مجازاتی که برای جعل و تزویر اسناد رسمی مقرر است محکوم خواهد شد:

اولاً - اسناد مجعوله یا مزوره را ثبت کند.

ثانیاً - سندی را بدون حضور اشخاصی که مطابق قانون باید حضور داشته باشند ثبت نماید.

ثالثاً - سندی را به اسم کسانی که آن معامله را نکرده‌اند ثبت کند.

رابعاً - تاریخ سند یا ثبت سندی را مقدم یا مؤخر در دفتر ثبت کند.

خامساً - تمام یا قسمتی از دفاتر ثبت را معدوم یا مکتوم کند یا ورقی از آن دفاتر را بکشد یا به وسایل متقلبانه دیگر ثبت سندی را از اعتبار و استفاده بیندازد.

سادساً - اسناد انتقالی را با علم به عدم مالکیت انتقال دهنده ثبت کند.

سابعاً - سندی را که به طور وضوح سندیت نداشته و یا از سندیت افتاده، ثبت کند.

-هرگاه اعضای ثبت اسناد و املاک سندی را که مفاد آن مخالفت صریح با قوانین موضوعه مملکتی داشته ثبت کند، از یک سال تا سه سال از خدمات دولتی منفصل خواهد شد.

-هر یک از اعضای ثبت اسناد و املاک قبل از احراز هویت اشخاص و یا اهلیت اصحاب معامله و یا قابلیت موضوع معامله سندی را عمداً ثبت نماید به مجازات اداری فوق محکوم خواهد گردید.

- هر یک از مستخدمین و اجزای ثبت اسناد و املاک عامداً تصدیقاتی دهد که مخالف واقع باشد، در حکم جاعل اسناد رسمی خواهد بود.

- در موارد تقصیراتی که مجازات آن‌ها به موجب این باب معین نشده مستخدمین و اجزای ثبت اسناد و املاک که مرتکب جرم عمومی و یا تقصیر اداری می‌شوند، موافق مقررات قوانین جزایی و یا قانون استخدام، تعقیب و مجازات خواهند شد.

- جز در مورد مذکور در ماده ۳۳ (راجع به بیع شرط و امثال آن) هرکس تقاضای ثبت ملکی را بنماید که قبلاً به دیگری انتقال داده یا با علم به این که به نحوی از انحاء قانونی سلب مالکیت از او شده است تقاضای ثبت نماید، کلاهبردار محسوب می‌شود و همچنین است اگر در موقع تقاضا مالک بوده ولی در موقع ثبت ملک در دفتر ثبت املاک، مالک نبوده و مع هذا سند مالکیت بگیرد یا سند مالکیت نگرفته ولی پس از اخطار اداره ثبت، حاضر برای تصدیق حق طرف نباشد.

-مقررات فوق در مورد وارثی نیز جاری است که با علم به انتقال ملک از طرف مورث خود یا با علم به این که به نحوی از انحاء قانونی سلب مالکیت از مورث او شده بوده است تقاضای ثبت آن ملک یا تقاضای صدور سند مالکیت آن ملک را به اسم خود کرده و یا مطابق قسمت اخیر ماده فوق پس از اخطار اداره ثبت رفتار نکند. در تمام این موارد علم وارث باید به وسیله امضا یا مهر و یا نوشته به خط او محرز شود.

- هرکس به عنوان اجاره یا عمری یا رقبی یا سکنی و یا مباشرت و به‌طور کلی هرکس نسبت به ملکی امین محسوب بوده و به عنوان مالکیت تقاضای ثبت آن را بکند، به مجازات کلاهبردار محکوم خواهد شد.

- هرگاه شخصی که ملک را به یکی از عناوین مذکوره در فوق متصرف بوده، شخصاً تقاضای ثبت ننموده ولی به واسطه خیانت یا تبانی او، ملک به نام دیگری به ثبت برسد به طریق ذیل عمل خواهد شد:

الف - اگر کسی که ملک به اسم او ثبت شده مشمول مقررات یکی از مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۹ باشد شخص او و امین هر دو به عنوان مجرم اصلی به مجازات کلاهبردار محکوم شده و نسبت به خسارات مدعی خصوصی متضامناً مسئول خواهند بود.

ب - هرگاه کسی که ملک به نام او به ثبت رسیده مشمول هیچ یک از مقررات مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۹ نباشد شخص مزبور به هیچ عنوان اعم از حقوقی و جزایی قابل تعقیب نیست ولی امین به عنوان مجرم اصلی تعقیب و مطابق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم شده و به علاوه برای جبران خسارت صاحب ملک، در توقیف خواهد ماند. در صورتی که در ظرف پنج سال نتوانست با تأدیه خسارت یا از طریق دیگر رضایت مدعی خصوصی را فراهم سازد وزیر عدلیه از مقام سلطنت عفو او را استدعا می کند.

هرکس نسبت به ملکی که در تصرف دیگری بوده خود را متصرف قلمداد کرده و تقاضای ثبت کند کلاه بردار محسوب می شود.

- در مورد املاکی که به رهن یا به یکی از عناوین مذکوره در ماده ۳۳ انتقال داده شده، رهن یا انتقال دهنده مکلف است حق طرف را در ضمن اظهارنامه خود قید نماید. در صورتی که رهن یا انتقال دهنده به این تکلیف عمل ننموده مرتبه یا انتقال گیرنده می تواند تا یک سال از تاریخ انقضای مدت حق استرداد یا رهن، به وسیله اظهارنامه رسمی حق خود را مطالبه کند. هرگاه در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه رهن یا انتقال دهنده حق طرف را نداد، کلاه بردار محسوب و با رعایت مواد ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ مطابق ماده ۱۱۴ با او رفتار خواهد شد.

اگر اخطار قبل از انقضای مدت حق استرداد و یا رهن به عمل آمده باشد، رهن یا انتقال دهنده وقتی مجرم خواهد بود که در صورت بقای ملک به ملکیت او، حق طرف را تا ده روز پس از ابلاغ اظهارنامه در اداره ثبت تصدیق ننماید و در صورتی که ملک به ملکیت او باقی نباشد، وقتی مجرم محسوب خواهد شد که تا ده روز پس از انقضای مدت حق استرداد یا رهن، حق مرتبه یا انتقال گیرنده را تأدیه نکند.

- هرکس به موجب سند رسمی یا عادی نسبت به عین یا منفعت مالی (اعم از منقول یا غیر منقول) حقی به شخص یا اشخاص داده و بعد نسبت به همان عین یا منفعت به موجب سند رسمی معامله یا تعهدی معارض با حق مزبور بنماید به حبس با اعمال شاقه از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.

بخش هشتم - احکام جزایی اصلاح قسمتی از قانون تجارت (مواد ۲۴۳ تا ۲۶۹)

ماده ۲۴۳: اشخاص زیر به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال یا به جزای نقدی از ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ تا ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

۱ - هرکس که عالماً و بر خلاف واقع پذیره نویسی سهام را تصدیق کند و یا برخلاف مقررات این قانون اعلامیه پذیره نویسی منتشر نماید و یا مدارک خلاف واقع حاکی از تشکیل شرکت به مرجع ثبت شرکتها تسلیم کند و یا در تعیین ارزش آورده غیر نقد تقلب اعمال کند.

۲ - هرکس در ورقه سهم بانام یا گواهینامه موقت سهم مبلغ پرداخت شده را بیش از آنچه که واقعاً پرداخت شده است قید کند.

۳ - هرکس از اعلام مطالبی که طبق مقررات این قانون باید به مرجع ثبت شرکتها اعلام کند بعضاً یا کلاً خودداری نماید و یا مطالب خلاف واقع به مرجع مزبور اعلام دارد.

۴ - هرکس سهام یا قطعات سهام را قبل از به ثبت رسیدن شرکت و یا در صورتی که ثبت شرکت مژورانه انجام گرفته باشد صادر کند.

۵ - هرکس سهام یا قطعات سهام را بدون پذیره نویسی کلیه سرمایه و تأدیه حداقل سی و پنج درصد آن و نیز تحویل کلیه سرمایه غیر نقد صادر کند.

۶ - هرکس قبل از پرداخت کلیه مبلغ اسمی سهم سهام بی نام یا گواهینامه موقت بی نام صادر کند.

ماده ۲۴۴: اشخاص زیر به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی از ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

۱ - هرکس عالماً سهام یا گواهینامه موقت سهام بدون ذکر مبلغ اسمی صادر کند یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد.

۲ - هرکس سهام بی نام را قبل از آنکه تمام مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد بفروشد یا به معرض فروش گذارد.

۳ - هرکس سهام بانام را قبل از آنکه اقلاً ۳۵٪ مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد صادر کند یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد.

* هرکس عالماً در هر یک از عملیات مذکور در ماده ۲۴۴ شرکت کند یا انجام آن عملیات را تسهیل نماید برحسب مورد به مجازات شریک یا معاون محکوم خواهد شد.

ماده ۲۴۶: (اصلاحی جزای نقدی ۰۸/۱۱/۱۳۹۹) - رئیس و اعضاء هیات مدیره هر شرکت سهامی در صورت ارتکاب هر یک از جرائم زیر به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

۱ - در صورتی که ظرف مهلت مقرر در این قانون قسمت پرداخت نشده مبلغ اسمی سهام شرکت را مطالبه نکنند و یا دو ماه قبل از پایان مهلت مذکور مجمع عمومی فوق العاده را جهت تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده دعوت ننمایند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

۲ - در صورتی که قبل از پرداخت کلیه سرمایه شرکت به صدور اوراق قرضه مبادرت کرده یا صدور آن را اجازه دهند.

ماده ۲۴۸: هر کس اعلامیه پذیره نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه شرکت سهامی را بدون امضاهای مجاز و نام و نشانی مؤسسين یا مدیران شرکت منتشر کند به جزای نقدی از ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد.

★ هر کس با سوء نیت برای تشویق مردم به تعهد خرید اوراق بهادار شرکت سهامی به صدور اعلامیه پذیره نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه که متضمن اطلاعات نادرست یا ناقص باشد مبادرت نماید و یا از روی سوءنیت جهت تهیه اعلامیه یا اطلاعیه مزبور اطلاعات نادرست یا ناقص داده باشد به مجازات شروع به کلاهبرداری محکوم خواهد شد و هرگاه اثری بر این اقدامات مترتب شده باشد مرتکب در حکم کلاهبردار بوده و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵۰: رئیس و اعضاء هیات مدیره هر شرکت سهامی عام که قبل از تأدیه کلیه سرمایه ثبت شده شرکت و قبل از انقضاء دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت و تصویب دو ترازنامه آن توسط مجمع عمومی مبادرت به صدور اوراق قرضه نمایند به جزای نقدی از ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد.

رئیس و اعضاء هیات مدیره هر شرکت سهامی عام که بدون رعایت مقررات ماده ۵۶ این قانون مبادرت به صدور اوراق قرضه بنمایند به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال و جزای نقدی از ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ تا ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۲: رئیس و اعضاء هیات مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی عمومی که نکات مندرج در ماده ۶۰ این قانون را در اوراق قرضه قید ننمایند به جزای نقدی از ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۳: اشخاص زیر به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی از ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ تا ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

۱ - هر کس عامداً مانع حضور دارنده سهم شرکت در جلسات مجمع عمومی صاحبان سهام بشود.

۲ - هر کس با خدعه و نیرنگ خود را دارنده سهم یا قطعات سهم معرفی کند و یا با این طریق در اخذ رأی در مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت نماید اعم از آن که این کار را شخصاً یا توسط دیگری انجام دهد.

ماده ۲۵۴: رئیس و اعضاء هیات مدیره شرکت سهامی که حداکثر تا ۶ ماه پس از پایان هر سال مالی مجمع عمومی عادی صاحبان سهام را دعوت نکنند یا مدارک مقرر در ماده ۲۳۲ را به موقع تنظیم و تسلیم ننمایند به حبس از دو تا شش ماه یا به جزای نقدی از ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۸: اشخاص زیر به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد:

۱ - رئیس و اعضاء هیات مدیره و مدیرعامل شرکت که بدون صورت دارایی و ترازنامه یا به استناد صورت دارایی و ترازنامه مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم کرده باشند.

۲ - رئیس و اعضاء هیات مدیره و مدیرعامل شرکت که ترازنامه غیرواقع به منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت به صاحبان سهام ارائه یا منتشر کرده باشند.

۳ - رئیس و اعضاء هیات مدیره و مدیرعامل شرکت که اموال یا اعتبارات شرکت را برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا موسسه دیگری که خود به طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذی نفع می باشند مورد استفاده قرار دهند.

۴ - رئیس و اعضاء هیات مدیره و مدیرعامل شرکت که با سوءنیت از اختیارات خود بر خلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا به خاطر شرکت یا موسسه دیگری که خود به طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذی نفع می باشند استفاده کنند.

ماده ۲۵۹: رئیس و اعضاء هیات مدیره شرکت که متعمداً مجمع عمومی صاحبان سهام را در هر موقع که انتخاب بازرسان شرکت باید انجام پذیرد به این منظور دعوت ننمایند و یا بازرسان شرکت را به مجامع عمومی صاحبان سهام دعوت نکنند به حبس از دو تا شش ماه یا جزای نقدی از ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ تا ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۰: رئیس و اعضاء هیات مدیره و مدیرعامل که عامداً مانع یا مخل انجام وظایف بازرسان شرکت بشوند یا اسناد و مدارکی را که برای انجام وظایف آنها لازم است در اختیار بازرسان قرار ندهند به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال یا به جزای نقدی از ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ تا ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۱: رئیس و اعضاء هیات مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه یا در صورتی که ثبت افزایش سرمایه مزورانه یا بدون رعایت تشریفات لازم انجام گرفته باشد سهام یا قطعات سهام جدید صادر و منتشر کنند به جزای نقدی از ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد؛ و در صورتی که قبل از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام مبادرت به صدور و انتشار سهام جدید یا قطعات سهام جدید بنمایند به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه و به جزای نقدی از ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۲: رئیس و اعضاء هیات مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر بشوند به جزای نقدی از ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد:

۱ - در صورتی که در موقع افزایش سرمایه شرکت به استثنای مواردیکه در این قانون پیشبینی شده است حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیرهنویسی و خرید سهام جدید رعایت نکنند و یا مهلتی را که جهت پذیرهنویسی سهام جدید باید در نظر گرفته شود به صاحبان سهام ندهند.

۲ - در صورتی که شرکت قبلاً اوراق قرضه قابل تعویض با سهم منتشر کرده باشد حقوق دارندگان این گونه اوراق قرضه را نسبت به تعویض اوراق آنها با سهام شرکت در نظر نگرفته یا قبل از انقضاء مدتیکه طی آن این قبیل اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت است اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل به سهام منتشر کنند یا قبل از تبدیل یا تعویض اوراق قرضه یا بازپرداخت مبلغ آنها سرمایه شرکت را مستهلک سازند یا آن را از طریق بازخرید سهام کاهش دهند یا اقدام به تقسیم اندوخته کنند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهند.

ماده ۲۶۳: رئیس و اعضاء هیات مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که عالملاً برای سلب حق تقدم از صاحبان سهام نسبت به پذیرهنویسی سهام جدید به مجمع عمومی اطلاعات نادرست بدهند یا اطلاعات نادرست را تصدیق کنند به حبس از شش ماه تا سه سال یا به جزای نقدی از ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۴: رئیس و اعضاء هیات مدیره هر شرکت سهامی که در مورد کاهش سرمایه عالملاً مقررات زیر را رعایت نکنند به جزای نقدی از ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد:

۱ - در صورت عدم رعایت تساوی حقوق صاحبان سهام.

۲ - [در صورتی که] پیشنهاد راجع بکاهش سرمایه حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده به بازرس شرکت تسلیم نشده باشد.

۳ - در صورتی که تصمیم مجمع عمومی دائر بر تصویب کاهش سرمایه و مهلت و شرایط آن در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اعلانات مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی نشده باشد.

ماده ۲۶۵: رئیس و اعضاء هیات مدیره هر شرکت سهامی که در صورت از میان رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت بر اثر زیانهای وارده حداکثر تا دو ماه مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نمایند تا موضوع انحلال یا بقاء شرکت مورد شور و رأی واقع شود و حداکثر تا یک ماه نسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور اقدام نمایند به حبس از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۶: هر کس با وجود منع قانونی عالملاً سمت بازرسی را در شرکت سهامی بپذیرد و به آن عمل کند به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه یا جزای نقدی از ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۲۶۷: هر کس در سمت بازرسی شرکت سهامی که عالملاً راجع به اوضاع شرکت به مجمع عمومی در گزارشهای خود اطلاعات خلاف حقیقت بدهد و یا این گونه اطلاعات را تصدیق کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۶۸: مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی که عالملاً مرتکب جرائم زیر بشوند به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

۱ - در صورتی که ظرف یک ماه پس از انتخاب تصمیم راجع به انحلال شرکت و نام و نشانی خود را به مرجع ثبت شرکتها اعلام نکنند.

۲ - در صورتی که تا شش ماه پس از شروع به امر تصفیه مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را دعوت نکرده وضعیت اموال و مطالبات و قروض شرکت و نحوه تصفیه امور شرکت و مدتی را که جهت پایان دادن به امر تصفیه لازم می داند به اطلاع مجمع عمومی نرسانند.

۳ - در صورتی که قبل از خاتمه امر تصفیه همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در این قانون اساسنامه شرکت پیشبینی شده است دعوت نکرده صورت دارائی منقول و غیر منقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده اند به مجمع مذکور تسلیم نکنند.

۴ - در صورتی که در خاتمه دوره تصدی خود بدون آنکه تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند به عملیات خود ادامه دهند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

۵ - در صورتی که ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام ننمایند.

۶ - در صورتی که پس از اعلام ختم تصفیه وجوهی را که باقیمانده است در حساب مخصوصی در یکی از بانک‌های ایرانی تودیع ننمایند و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند به آن بانک تسلیم نکرده مراتب را طی آگهی ختم تصفیه به اطلاع اشخاص ذینفع نرسانند.

ماده ۲۶۹: مدیر تصفیه یا مدیران هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر شوند به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد:

۱ - در صورتی که اموال یا اعتبارات شرکت در حال تصفیه را برخلاف منافع شرکت یا برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا موسسه دیگری که خود به طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذی‌نفع می‌باشند مورد استفاده قرار دهند.

۲ - در صورتی که برخلاف ماده ۲۱۳ به انتقال دارایی شرکت مبادرت کنند یا بدون رعایت حقوق بستانکاران و موضوع کردن قروضی که هنوز موعد تأدیه آن نرسیده دارایی شرکت را بین صاحبان سهام تقسیم نمایند.

بخش نهم - احکام جزایی قانون حمایت خانواده (مواد ۴۹ تا ۵۶)

ماده ۴۹: چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود. این مجازات در مورد مردی که از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق استنکاف کند نیز مقرر است.

ماده ۵۰: هرگاه مردی برخلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. هرگاه ازدواج مذکور به واقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنج و اگر به واقعه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می‌شود.

تبصره - هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسئول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب جرم موضوع این ماده تأثیر مستقیم داشته باشند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شوند. این حکم در مورد عاقد نیز مقرر است.

ماده ۵۱: هر فرد خارجی که بدون اخذ اجازه مذکور در ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی و یا برخلاف سایر مقررات قانونی با زن ایرانی ازدواج کند به حبس تعزیری درجه پنج محکوم می‌شود.

ماده ۵۲: هرکس در دادگاه زوجیت را انکار کند و سپس ثابت شود این انکاری اساس بوده است یا برخلاف واقع با طرح شکایت کیفری یا دعوای حقوقی مدعی زوجیت با دیگری شود به حبس تعزیری درجه شش و یا جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود.

این حکم در مورد قائم مقام قانونی اشخاص مذکور نیز که با وجود علم به زوجیت، آن را در دادگاه انکار کند یا علی‌رغم علم به عدم زوجیت با طرح شکایت کیفری یا دعوای حقوقی مدعی زوجیت گردد، جاری است.

ماده ۵۳: هرکس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع کند به حبس تعزیری بیش از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزائی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود.

تبصره - امتناع از پرداخت نفقه زوجه‌ای که به موجب قانون مجاز به عدم تمکین است و نیز نفقه فرزندان ناشی از تلقیح مصنوعی یا کودکان تحت سرپرستی مشمول مقررات این ماده است.

ماده ۵۴: هرگاه مسئول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری کند یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی‌حق شود، برای بار اول به پرداخت جزای نقدی درجه هشت و در صورت تکرار به حداکثر مجازات مذکور محکوم می‌شود.

ماده ۵۵: هر پزشکی که عامداً برخلاف واقع گواهی موضوع مواد (۲۳) و (۳۱) این قانون را صادر یا با سوءنیت از دادن گواهی مذکور خودداری کند، بار اول به محرومیت درجه شش موضوع قانون مجازات اسلامی از اشتغال به طبابت و بار دوم و بالاتر به حداکثر مجازات مذکور محکوم می‌شود.

ماده ۵۶: هر سردفتر رسمی که بدون اخذ گواهی موضوع مواد (۲۳) و (۳۱) این قانون یا بدون اخذ اجازه نامه مذکور در ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی یا حکم صادر شده در مورد تجویز ازدواج مجدد یا برخلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی به ثبت ازدواج اقدام کند یا بدون حکم دادگاه یا گواهی عدم امکان سازش یا گواهی موضوع ماده (۴۰) این قانون یا حکم تنفیذ راجع به احکام خارجی به ثبت هریک از موجبات انحلال نکاح یا اعلام بطلان نکاح یا طلاق مبادرت کند، به محرومیت درجه چهار موضوع قانون مجازات اسلامی از اشتغال به سردفتری محکوم می شود.

در این بخش فقط به آن دسته از قوانین خاصی که متفاوت بین این دو آزمون است پرداخته می شود و داوطلبینی که تمایل به شرکت در آزمون مرکز وکلا را ندارند نیاز به مطالعه این بخش نخواهند داشت.

۱- قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۱۳۱۵

ماده ۱: هر کس به دعوی اعتبارات و نفوذی در نزد یکی از مستخدمین دولتی یا شهرداری یا کشوری یا مأمورین به خدمات عمومی وجه نقد یا فائده دیگری برای خود یا شخص ثالثی در ازای اعمال نفوذ نزد مأمورین مزبوره از کسی تحصیل کند و یا وعده و یا تهدیدی از او بگیرد علاوه بر رد وجه یا مال مورد استفاده یا قیمت آن به حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال و به جزای نقدی از یک هزار ریال تا ده هزار ریال محکوم خواهد شد.

هرگاه وجه نقد یا فائده یا تعهد را به اسم مأمورین مزبوره و به عنوان اینکه برای جلب موافقت آن ها باید پرداخته شود گرفته باشد علاوه بر رد وجه یا مال مورد استفاده یا قیمت آن به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال و به جزای نقدی از دو هزار ریال الی پانزده هزار ریال محکوم خواهد شد.

- هر کس از روابط خصوصی که با مأمورین یا مستخدمین مذکوره در ماده یک دارد سوء استفاده نموده و در کارهای اداری که نزد آن ها است به نفع یا ضرر کسی برخلاف حق و مقررات قانونی اعمال نفوذ کند از یک ماه الی یک سال حبس تأدیبی محکوم خواهد شد.

ماده ۳: مستخدمین دولتی یا شهرداری یا کشوری یا مأمورین به خدمات عمومی که نفوذ اشخاص را در اقدامات یا تصمیمات اداری خود تأثیر دهند به محرومیت از شغل دولتی از دو الی پنج سال محکوم می شوند و در صورتی که اقدام یا تصمیم مزبور مستلزم تفویت حقی از اشخاص یا دولت باشد محکوم به انفسال ابد از خدمات دولتی خواهند شد مگر آن که این عمل مشمول قوانین دیگر جزایی باشد.

ماده ۴: هر وکیل عدلیه که به دعوی داشتن اعتبار و نفوذ در نزد مأمورین قضایی یا اداری یا حکم یا شهود و اهل خبره وجه یا مال یا فائده دیگری برای خود یا شخص ثالثی از موکل خود به عنوان اینکه باید به یکی از اشخاص مذکوره بپردازد یا مساعدت آن ها را جلب کند تحصیل نماید یا وعده آن را قبول کند علاوه بر رد وجه یا مال مورد استفاده یا قیمت آن به حبس تأدیبی از یک سال الی سه سال محکوم خواهد شد.

۲- قانون حمایت از اطفال و نوجوانان

به موجب ماده ۲ این قانون؛ تمام افرادی که به سن هجده سال تمام شمسی نرسیده اند، مشمول این قانون می باشند.

* دختران ۹ تا ۱۸ سال و پسران ۱۵ تا ۱۸ سال، نوجوان محسوب می شوند.

دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضائیه به منظور ایجاد زمینه های همکاری با سایر نهادها، تهیه گزارش های موردی یا ادواری، انجام مطالعات و تحقیقات آماری و اطلاعاتی، پایش و ارزشیابی فعالیت های دفاتر استانی و شهرستانی در خصوص اجرای این قانون در قوه قضائیه تشکیل می شود. واحدی از این دفتر در حوزه قضائی هر استان و تحت نظر رئیس کل آن حوزه تشکیل و مستقر می شود.

ماده ۷: هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی طفل و نوجوان و تمام اشخاصی که مسئولیت نگهداری، مراقبت و تربیت طفل را بر عهده دارند، چنانچه برخلاف مقررات قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۳۰/ ۴/ ۱۳۵۳ از ثبت نام و فراهم کردن موجبات تحصیل طفل و نوجوان واجد شرایط تحصیل تا پایان دوره متوسطه امتناع کنند یا به هر نحوی از تحصیل او جلوگیری کنند، به انجام تکلیف یاد شده و جزای نقدی درجه هفت قانون مجازات اسلامی محکوم می شوند.

تبصره- هرگاه محکوم علیه پس از ابلاغ حکم قطعی از انجام تکلیف مقرر در مهلت تعیین شده از طرف دادگاه خودداری کند یا پس از اجرای حکم، دوباره طفل و نوجوان را از تحصیل باز دارد، به جزای نقدی درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می شود.

ماده ۸: هر کس با تهدید، ترغیب یا تشویق موجب فرار طفل یا نوجوان از خانه یا مدرسه و یا ترک تحصیل وی شود یا اطفال یا نوجوانان را بدین منظور فریب دهد و یا موجبات آن را تسهیل یا فراهم کند،

در صورت فرار یا ترک تحصیل ————— حسب مورد به یک یا چند مورد از مجازات های درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می شود.

در صورت عدم تحقق فرار یا ترک تحصیل ← بار اول؛ اخطار پلیس ویژه اطفال و نوجوانان

تکرار؛ یک یا چند مورد از مجازات‌های درجه شش

ماده ۱۱: هرگونه معامله راجع به طفل یا نوجوان ممنوع بوده و مرتکب به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود؛ چنانچه این رفتار با هدف فحشاء و هزه‌نگاری، بهره‌کشی اقتصادی، برداشت اعضاء یا جوارح و یا استفاده از طفل و نوجوان در فعالیت‌های مجرمانه باشد، مرتکب به مجازات حبس درجه چهار قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.

تبصره ۱ - اشخاصی که واسطه‌گری در ارتکاب جرم موضوع این ماده را حرفه خود قرار داده باشند، به میانگین حداقل و حداکثر تا حداکثر مجازات مباشر جرم محکوم و در غیر این صورت به مجازات معاون محکوم می‌شوند.

تبصره ۲ - هرگاه کارکنان نهادهای حکومتی مأمور به خدمات عمومی اعم از دولتی و غیردولتی در ارتکاب جرم موضوع این ماده دخالت داشته باشند، علاوه بر مجازات اصلی به محرومیت اجتماعی درجه پنج قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.

* هرکس مرتکب قاچاق اطفال و نوجوانان شود به مجازات حبس درجه سه قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.*

هرکس به هر نحو موجبات ارتکاب به خودکشی طفل یا نوجوان را فراهم آورد یا تسهیل کند و مشمول مقررات حد یا قصاص نشود، علاوه بر پرداخت دیه طبق مقررات، حسب مورد به ترتیب زیر مجازات می‌شود:

الف) هرگاه رفتار مرتکب، موجب خودکشی منجر به فوت طفل و نوجوان شود، به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛

ب) هرگاه اقدامات مرتکب موجب فوت طفل و نوجوان نشود، ولی منجر به ورود آسیب جسمی یا روانی به طفل و نوجوان شود به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی؛

پ) هرگاه اقدامات مرتکب مؤثر واقع نشود، به مجازات حبس درجه هشت قانون مجازات اسلامی

-در اجرای حکم محکومیت مرتکبان جرائم علیه اطفال یا نوجوانان به جزای نقدی یا مصادره اموال یا سایر محکومیت‌های مالی، پرداخت دیه و خسارات طفل و نوجوان بزه دیده مقدم بر وصول مطالبات دولت است.

- رئیس قوه قضائیه به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و به تناسب امکانات، ضرورت، تجربه، تبحر و سابقه قضات در هر حوزه قضائی شعبی از دادسرا و دادگاه کیفری و دادگاه خانواده را جهت رسیدگی به جرائم و دعاوی موضوع این قانون اختصاص خواهد داد. اختصاص این شعب مانع رسیدگی به سایر پرونده‌ها نیست.

- علاوه بر جهات قانونی برای شروع به تعقیب موضوع قانون آیین دادرسی کیفری، موارد زیر نیز از جهات قانونی برای شروع به تعقیب یا اتخاذ تدابیر حمایتی مقرر در این قانون می‌باشد:

الف) تقاضای طفل و نوجوان؛

ب) گزارش‌ها و درخواست‌های مکتوب یا شفاهی که هویت گزارش دهندگان و نویسندگان آن‌ها مشخص نیست در صورتی که دارای قرائن معقول و متعارف باشد.

★ تمام جرائم موضوع این قانون جنبه عمومی داشته و بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب می‌باشد و در صورت گذشت شاکی خصوصی تعقیب موقوف نخواهد شد.

-دادگاه رسیدگی کننده به جرائم موضوع این قانون در صورت ضرورت و مصلحت طفل یا نوجوان می‌تواند ضمن صدور حکم محکومیت، حسب مورد یک یا چند مورد از تصمیمات زیر را اتخاذ کند. این تصمیمات از حیث قابلیت تجدیدنظرخواهی تابع حکم اصلی است:

الف) معرفی طفل و نوجوان یا خانواده آن‌ها به سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی فعال در زمینه اقدامات حمایتی؛

ب) ایجاد محدودیت در اعمال حقوق مربوط به ملاقات، حضانت، ولایت، قیمومت، وصایت و سرپرستی طفل و نوجوان؛

پ) سپردن طفل و نوجوان به صورت موقت به سازمان بهزیستی یا مراکز مربوط.

-دادگاه صادر کننده حکم قطعی می‌تواند با در نظر گرفتن گزارش مددکار اجتماعی، مبنی بر ایجاد تغییر در وضعیت طفل یا نوجوان، والدین، یا سرپرستان قانونی، در تصمیمات صادر شده بازنگری و اتخاذ تصمیم مجدد کند و قاعده فراغ دادرس مانع از این بازنگری و تجدید نظر نخواهد شد.

-چنانچه شخص حقوقی مرتکب جرم یا جرائم مذکور در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان شود یا در این جرائم معاونت نماید به مجازات‌های مقرر در ماده ۲۰ ق.م.ا محکوم می‌شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی: در صورتی که شخص حقوقی بر اساس ماده (۱۴۳) این قانون مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست:

الف. انحلال شخص حقوقی

ب. مصادره کل اموال

پ. ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ت. ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ث. ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال

ج. جزای نقدی

چ. انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه ها

تبصره. مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می کنند، اعمال نمی شود.

-در فرضی که انتساب جرم فقط قابل انتساب به یکی از شعب شخص حقوقی باشد مجازات انحلال شخص حقوقی فقط نسبت به همان شعبه اعمال می شود.

-چنانچه مرتکب جرم یا جرائم مذکور در این قانون نوجوان باشد مجازات وی تشدید نخواهد شد.

فصل پنجم - قوانین خاص آیین دادرسی کیفری

بخش اول - قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی

کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی دادسراها و ضابطان قوه قضائیه مکلفند در انجام وظایف قانونی خویش موارد ذیل را به دقت رعایت و اجرا کنند. متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد:

۱ - کشف و تعقیب جرائم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلايق شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.

۲ - محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر برائت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.

۳ - محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.

۴-بازرسی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم بر اساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی مورد آن‌ها خودداری گردد.

۵-هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدین وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.

بخش دوم - قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب

تأسیس دادگاه‌های عمومی در هر حوزه قضایی و تعیین قلمرو محلی و تعداد شعب دادگاه‌های مزبور به تشخیص رئیس قوه قضائیه است.

هر حوزه قضائی که دارای بیش از یک شعبه دادگاه عمومی باشد آن شعب به حقوقی و جزائی تقسیم می‌شوند. دادگاه‌های حقوقی صرفاً به امور حقوقی و دادگاه‌های جزائی فقط به امور کیفری رسیدگی خواهند نمود.

تخصیص شعبی از دادگاه‌های حقوقی و کیفری برای رسیدگی به دعاوی حقوقی یا جزائی خاص مانند امور خانوادگی و جرائم اطفال با رعایت مصالح و مقتضیات از وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه است.

در صورت ضرورت ممکن است به شعبه جزائی پرونده حقوقی و یا به شعبه حقوقی پرونده جزائی ارجاع شود.

رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها قصاص نفس یا قصاص عضو یا رجم یا صلب یا اعدام یا حبس ابد است و همچنین رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی به نحوی که در مواد بعدی ذکر می‌شود در دادگاه کیفری استان به عمل خواهد آمد.

رسیدگی به کلیه اتهامات اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزراء و معاونین آن‌ها، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه، سفراء، دادستان و رئیس دیوان محاسبات، دارندگان پایه قضائی، استانداران، فرمانداران و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استان‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران می‌باشد به استثناء مواردی که در صلاحیت سایر مراجع قضائی است.

-قرارها و احکام دادگاه‌ها باید مستدل بوده و مستند به قانون یا شرع و اصولی باشد که بر مبنای آن حکم صادر شده است. تخلف از این امر و انشاء رأی بدون استناد موجب محکومیت انتظامی خواهد بود.

-رئیس شعبه اول دادگاه‌های عمومی در هر حوزه قضایی، رئیس حوزه قضایی است و با تصویب رئیس قوه قضائیه می‌تواند به تعداد لازم معاون داشته باشد.

- در شهرستان؛ رئیس دادگستری؛ رئیس حوزه قضائی و رئیس شعبه اول دادگاه بر دادگاه‌های ریاست اداری دارد و در مرکز استان رئیس کل دادگستری استان، رئیس کل دادگاه‌ها تجدیدنظر و کیفری استان است و بر کلیه دادگاه‌ها و دادسراها و دادگستری‌های حوزه آن استان نظارت و ریاست اداری خواهد داشت. همچنین رئیس دادگستری هر حوزه بر دادسرای آن حوزه نظارت و ریاست اداری دارد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

- گروه شغلی «دادستان‌ها» برابر گروه شغلی «رئیس دادگستری شهرستان» و گروه شغلی «دادستان تهران» برابر گروه شغلی «رئیس کل دادگستری استان تهران» خواهد بود.

- گروه شغلی «معاون دادستان و بازپرس» برابر گروه شغلی «رئیس شعبه دادگاه عمومی» و گروه شغلی «دادیار» برابر گروه شغلی «ادرس علی‌البدل دادگاه» خواهد بود.

به جز موارد ضروری به تشخیص رئیس قوه قضائیه، رئیس کل دادگستری استان باید حداقل دارای ده سال سابقه کار قضائی، رئیس دادگاه تجدیدنظر حداقل هشت سال و دادستان و رئیس دادگستری شهرستان حداقل شش سال سابقه کارقضائی داشته باشند.

- در شهرستان مرکز استان، رئیس کل دادگستری استان رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان می‌باشد و رئیس شعبه اول دادگاه‌های عمومی مرکز استان رئیس کل دادگاه‌های آن شهرستان خواهد بود و در غیر مرکز استان رئیس هر حوزه قضائی، رئیس شعبه اول دادگاه عمومی آن حوزه قضائی است.

- مرجع تجدیدنظر آراء قابل تجدیدنظر دادگاه‌های عمومی حقوقی و جزائی و انقلاب، دادگاه تجدیدنظر استانی است که آن دادگاه‌ها در حوزه قضائی آن استان قرار دارند. آراء دادگاه‌های کیفری استان و آن دسته از آراء دادگاه‌های تجدیدنظر استان که قابل فرجام باشد ظرف مهلت مقرر برای تجدیدنظرخواهی، قابل فرجام در دیوان عالی کشور است.

- اگر در دادگاه تجدیدنظر متهم بی‌گناه شناخته شود حکم بدوی فسخ و متهم تبرئه می‌گردد، هر چند که درخواست تجدیدنظر نکرده باشد و در این صورت اگر متهم در زندان باشد فوراً آزاد می‌شود.

- هرگاه دادگاه تجدیدنظر پس از رسیدگی محکوم‌علیه را مستحق تخفیف مجازات بداند ضمن تأیید حکم بدوی مستدلاً می‌تواند مجازات او را تخفیف دهد، هر چند که محکوم‌علیه تقاضای تجدیدنظر نکرده باشد.

- در امور کیفری موضوع مجازات‌های تعزیری یا بازدارنده مرجع تجدیدنظر نمی‌تواند مجازات مقرر در حکم بدوی را تشدید کند، مگر اینکه دادستان یا شاکی خصوصی درخواست تجدیدنظر کرده باشد.

• جهات درخواست تجدیدنظر به قرار زیر است:

۱ - ادعای عدم اعتبار مدارک استنادی دادگاه یا دروغ بودن شهادت شهود یا فقدان شرایط قانونی شهادت، در شهود.

۲ - ادعای مخالف بودن رأی با قانون.

۳ - ادعای عدم صلاحیت دادگاه یا عدم صلاحیت قاضی صادرکننده رأی.

۴ - ادعای عدم توجه قاضی به دلایل یا مدافعات.

- تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه نسبت به دعوی مطروحه با همان دادگاهی است که قانوناً مکلف به رسیدگی به پرونده بوده است.

- در صورتی که دادگاه رسیدگی‌کننده خود را صالح به رسیدگی نداند با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به دادگاه ذیصلاح ارسال می‌نماید، چنانچه دادگاه مرجوع‌الیه ادعای عدم صلاحیت را نپذیرد پرونده جهت حل اختلاف توسط دادگاه مرجوع‌الیه به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می‌شود.

- در صورتی که اختلاف صلاحیت بین دادگاه‌های دو حوزه قضایی از دو استان باشد مرجع حل اختلاف دیوان عالی کشور خواهد بود.

آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۶۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۱

موضوع: اختلاف نظر شعب دیوان عالی کشور درباره لزوم یا اختیار تخفیف در همه اجزای مجازات جرم واحد با مجازات های متعدد. ماجرا: محکومان به استناد قوانین کیفری مختلف (از جمله ماده ۳ قانون تشدید و مواد ۵۹۲ و ۵۹۳ تعزیرات ۱۳۷۵) به مجازات های حبس، شلاق، جزای نقدی و انفصال موقت محکوم شدند. در مرحله اعاده دادرسی، یک شعبه: تخفیف در یکی از اجزاء (حبس) را کافی دانسته و اعاده را رد کرد. شعبه دیگر: پس از احراز استحقاق تخفیف، تعیین حداکثر شلاق را خلاف قانون دانسته و اعاده را پذیرفت. نظر دادستان کل: اصل فردی سازی مجازات و اختیار دادگاه برای تقلیل یا تبدیل مجازات کافی است و الزامی به تخفیف در همه اجزاء نیست.

✍ رأی وحدت رویه:

- ۱- کیفیات مخففه ماهیت ارفاقی دارند.
- ۲- در مجازات ترکیبی، دادگاه اختیار دارد در هر جزء مجازات تقلیل یا تبدیل اعمال کند.
- ۳- الزامی به تخفیف در همه اجزاء وجود ندارد.
- ۴- نظر شعبه ای که اختیار دادگاه را کافی دانسته بود، مطابق قانون اعلام شد.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۶۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۱

موضوع: صلاحیت دادگاه صلح در دعاوی مالی منقول و غیرمنقول تا نصاب یک میلیارد ریال.

- اطلاق «دعای مالی» در ماده ۴ و بند ۱ ماده ۱۲ شامل منقول و غیرمنقول است.

- اگر بهای خواسته کمتر از نصاب قانونی باشد، دادگاه صلح صالح به رسیدگی است.

- عبارت «مرجع صالح قضایی» در تبصره ۴ ماده ۲۰ شامل دادگاه صلح نیز می شود.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۶۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۰

برخی شعب با استناد به ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی، دادگاه محل اقامت خوانده را صالح می دانستند و برخی دیگر با توجه به اینکه بیت المال اقامتگاه معینی ندارد و وزارت دادگستری به نمایندگی از بیت المال در کل کشور حاکمیت دارد، دادگاه محل اقامت خواهان را نیز صالح تلقی کرده اند. در نهایت، هیات عمومی دیوان عالی کشور اعلام نمود؛ خواهان می تواند دعوی مطالبه دیه یا خسارت از بیت المال را در دادگاه محل اقامت خود یا محل وقوع جرم اقامه کند.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۶۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۰

موضوع: اختلاف نظر شعب دیوان عالی کشور درباره تعیین مرجع صالح برای رسیدگی به جرائم نظامیان در صورت معاونت یا مشارکت با متهمان غیرنظامی.

هیات عمومی دیوان عالی کشور با تکیه بر ماده ۳۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری و هدف قانون گذار مبنی بر وحدت رسیدگی مقرر داشت که؛ در صورت مشارکت یا معاونت نظامی با غیرنظامی، صلاحیت مرجع رسیدگی تابع صلاحیت دادگاهی است که به اتهام متهم اصلی رسیدگی می کند، مگر در مواردی که قانون خاص ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۶۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۳

موضوع: تفسیر ماده ۱۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر پیرامون تحقق بزه «اجیر نمودن اشخاص» برای ارتکاب جرائم مرتبط با مواد مخدر: هیات عمومی دیوان عالی کشور با توجه به ظاهر و مفاد ماده ۱۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، تبصره یک ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی (در خصوص تعریف گروه مجرمانه)، اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و اصل برائت، اعلام کرد: چنانچه فردی صرفاً یک نفر را برای ارتکاب جرائم موضوع قانون مذکور اجیر کند یا به خدمت گمارد، رفتار وی مشمول عنوان مقرر در ماده ۱۸ نخواهد بود و برای تحقق این بزه، اجیر کردن بیش از یک نفر لازم است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۶۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۱۹

مستفاد از مواد ۴۱۸، ۴۲۱، ۴۶۲ و ۴۶۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳ با اصلاحات بعدی و مواد ۱۳، ۳۰، ۳۶ و ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸/۰۴/۲۴ با صدور حکم ورشکستگی، اداره تصفیه به قائم مقامی از شخص ورشکسته مبادرت به تشخیص و تصدیق مطالبات بستانکاران با رعایت تناسب حقوق آنان می نماید. در صورتی که مطالبات برخی از بستانکاران ارز بوده، مبنای محاسبه و تسعیر (تبدیل ارزش پول خارجی به پول داخلی)، معادل ارزش ریالی آن به نرخ روز اعلامی از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در زمان تصدیق مطالبات خواهد بود.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۶۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۴

مستفاد از مواد ۵۳۸، ۵۴۴ و ۷۰۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲:

اصل در دیات: در جنایات عمدی و غیر عمدی، تعدد و عدم تداخل دیات است؛ یعنی برای هر صدمه یا منفعت از دست رفته، دیه جداگانه تعیین می شود، مگر قانون خلاف آن را مقرر کرده باشد.

منافع متعدد: اگر در نتیجه رفتار واحد یا متعدد مرتکب، چند منفعت مختلف (مانند ضبط ادرار و ضبط مدفوع) به طور دائم از مجنی علیه سلب یا ناقص گردد، برای هر یک دیه مستقل تعیین می شود.

ماده ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی: حکم به یک فقره دیه کامل برای از بین رفتن ضبط ادرار یا مدفوع یا هر دو فقط مخصوص زمانی است که صدمه مستقیماً به موضع عجان (حداً فاصل بیضه ها و مقعد) وارد شود.

بنابراین: در مواردی که از بین رفتن منافع ناشی از صدمه به بخش های دیگری از بدن است (نه موضع عجان)، برای هر منفعت از دست رفته (ادرار و مدفوع) دیه جداگانه تعیین خواهد شد.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۵۹ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۳

موضوع: مجازات جاسوسی در نیروهای مسلح تعزیری است و نه حدی، مگر با وجود سایر شرایط و به تصریح دادگاه:

نظر به اینکه جرم جاسوسی موضوع بندهای «الف» و «ج» ماده ۲۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، فاقد ارکان و عناصر تشکیل دهنده جرم محاربه بوده و صرفاً مجازات محارب، برای مرتکب در نظر گرفته شده است، لذا این مجازات حدی محسوب نمی شود، مگر اینکه به صورت مصداقی با داشتن سایر شرایط، دادگاه تصریح در حدی بودن مجازات نماید؛ بنابراین هر نظامی که بر خلاف مصالح عمومی و امنیت کشور، مرتکب یکی از رفتارهای موضوع ماده قانونی مذکور شده و به مجازات نفی بلد محکوم شود و به منظور جلوگیری از معاشرت و مراد و وی با دیگران، مجازات تعیین شده در زندان اجرا گردد، مجازات مذکور تعزیری محسوب و دادگاه در صورت وجود شرایط مقرر قانونی می تواند در مورد متهم، نهادهای ارفاقی را اعمال نماید.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۵۸ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۳

موضوع: تعیین مرجع و مبنای قانونی برای تعلق خسارت تأخیر تأدیه به مطالبات کارگری ناشی از آرای صادره از هیات های تشخیص یا حل اختلاف اداره کار است.

دیون کارفرما به موجب آرای قطعی مراجع حل اختلاف کارگری، مشمول مفهوم «دین از نوع وجه رایج» موضوع ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی است و در صورت امتناع کارفرما از پرداخت، با احراز سایر شرایط قانونی، کارگر از تاریخ قطعیت رأی مستحق دریافت خسارت تأخیر تأدیه با رعایت شاخص های اعلامی بانک مرکزی خواهد بود.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۵۷ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۱

موضوع: تعیین دیه در موارد شکستگی چند مهره ستون فقرات بر اساس نظریه پزشکی قانونی و اصل عدم تداخل دیات

هرگاه بر اثر یک رفتار، دو یا چند مهره از مهره های ستون فقرات بشکند و بدون عیب درمان شود به لحاظ آنکه در بند «ت» ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تبصره یک آن، میزان دیه شکستن چند مهره با یک رفتار تعیین نشده است، با استناد به مواد ۵۳۸، ۵۴۱، ۵۴۳ و ۵۷۰ قانون مذکور در صورتی که مهره های شکسته شده مطابق نظریه پزشکی قانونی (عرف خاص) شکستگی متعدد محسوب شود، با توجه به تعدد شکستگی و اصل عدم تداخل دیات، برای شکستگی هر مهره که بدون عیب درمان شده، یک دهم دیه کامل تعیین می شود و شکستن یک مهره از چند نقطه شکستگی متعدد محسوب نمی گردد. لذا هیات عمومی دیوان عالی کشور بر اساس ماده ۴۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری، رأی وحدت

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

رویه شماره ۸۴۳ - ۲۴/۱۱/۱۴۰۲ (که مشعر بر تعیین یک دهم دیه برای شکستن چند مهره بود) را تغییر داده و برای هر یک از مهره‌های شکسته شده که پزشکی قانونی آن‌ها را متعدد اعلام کند، ده درصد دیه کامل تعیین می‌شود.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۵۶ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۰۴

موضوع: محدودیت‌های انتقال سهام در شرکت سهامی خاص و عدم نفوذ انتقال بدون موافقت هیات مدیره
نظر به اینکه اساسنامه مهم‌ترین رکن شرکت سهامی خاص است که در آن روابط بین شرکا و حدود اختیارات هیات مدیره و سهامداران معین شده است، لذا چنانچه طبق این سند، انتقال سهام منوط به موافقت هیات مدیره شده باشد و دارنده سهم بدون رعایت حق تقدم سایر سهامداران و موافقت هیات مذکور، مبادرت به انتقال سهام خود به شخص ثالث نماید، انتقال صورت گرفته غیر نافذ و با عدم تنفیذ هیات مدیره محکوم به بطلان است؛ بنابراین، مقررات ماده ۴۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، صرفاً ناظر به شرکت سهامی عام بوده و تسری به شرکت سهامی خاص ندارد.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۵۵ مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۱۳

موضوع: حق فرجام‌خواهی در پرونده‌های غیر قابل تفکیک پس از صدور رأی تجدیدنظر
در مواردی که یکی از متداعیین، در مهلت تجدیدنظر نسبت به رأی صادر شده از دادگاه نخستین در موضوعاتی که قابل تجزیه و تفکیک نیست، تجدیدنظرخواهی نموده و در مورد آن، رأی قطعی صادر شده باشد، صرف صدور رأی از سوی دادگاه تجدیدنظر، موجب از بین رفتن حق فرجام‌خواهی سایر اصحاب دعوا که حق تجدیدنظرخواهی خود را به استناد رأی وحدت رویه ۸۱۹ - ۱۶/۱/۱۴۰۱ اسقاط نموده و یا با انقضاء مهلت از این حق استفاده نکرده باشند، نخواهد شد. لذا شعب دیوان عالی کشور مطابق مواد ۲، ۳، ۳۶۷ و ۴۰۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، مکلفاند به دعوی اقامه شده برابر مقررات رسیدگی کنند.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۵۴ مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۰۸

موضوع: محدودیت‌های اعاده دادرسی در آرای صادره بر مبنای ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی
هیات عمومی دیوان عالی کشور با تفسیر ماده ۴۷۷ و ۴۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر کرد که درخواست اعاده دادرسی نسبت به آرای صادره در اجرای ماده ۴۷۷، فقط در صورت وجود جهت جدید و از نوع مغایرت با مسلمات فقهی و تحت شرایط ماده ۴۷۷ قابل پذیرش است و نمی‌توان آن را بر اساس ماده ۴۷۴ مطرح کرد.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۵۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۷

موضوع: صلاحیت محلی دادگاه در جرائم کلاهبرداری غیر رایانه‌ای بر اساس محل افتتاح حساب شاکی
طبق ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در صلاحیت محلی، اصل بر صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم است. بدین جهت در جرم کلاهبرداری غیر رایانه‌ای، هرگاه زیان دیده بر اثر فریب و رفتار متقلبانه، وجهی از حساب خود به حساب تعریف شده بزهکار انتقال داده باشد، نظر به اینکه با انتقال وجه از حساب زیان‌دیده، مال از سیطره و تسلط او خارج می‌شود، لذا دادگاهی که محل افتتاح حساب شاکی در حوزه قضایی آن قرار دارد، صالح به رسیدگی است.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۵۲ مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

موضوع: تحلیل حقوقی انتقال مال غیر و شروع به کلاهبرداری بر اساس ماده ۲ قانون مجازات ۱۳۰۸

هرگاه شخصی مالی را با سند عادی به دیگری انتقال دهد و سپس با علم به اینکه مال متعلق به او نیست، بدون مجوز قانونی آن را نزد بانک یا مرجع قضایی یا هر شخص دیگری در رهن یا وثیقه قرار دهد، رفتار مرتکب مشمول ماده ۲ قانون مجازات اشخاصی که مال غیر را به عوض مال خود معرفی می‌نمایند مصوب ۱۳۰۸ تلقی و به مجازات شروع به کلاهبرداری محکوم می‌شود.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۵۱ مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

موضوع: صلاحیت دادگاه در دعاوی ناشی از تعهدات شعب بانک‌ها پس از ادغام بانکی
با توجه به ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی، در دعاوی ناشی از تعهدات شعب بانک‌ها، دادگاه محل استقرار شعبه بانک صالح به رسیدگی است. بنابراین، با ادغام بانک در بانک دیگر، شعب بانک ادغام‌شده قائم‌مقام بانک جدید محسوب می‌شوند و دعاوی باید در دادگاه محل شعبه اقامه شوند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

❑ رأی وحدت رویه شماره ۸۵۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۶

موضوع: محاسبه خسارت تأخیر تأدیه بر اساس شاخص سالانه در قانون آیین دادرسی مدنی

مستفاد از ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، در دعاوی مالی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج است، خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی به صورت جدول ماهانه منتشر می‌گردد، محاسبه می‌شود. نحوه محاسبه به این صورت است که عدد شاخص در زمان تأدیه بر عدد شاخص در زمان سررسید تقسیم و در مبلغ اصل دین ضرب می‌شود. بنابراین، محاسبه خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای شاخص سالانه است و شامل سودهای مرکب که فاقد وجه شرعی است، نخواهد بود.

❑ رأی وحدت رویه شماره ۸۴۹ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۹

موضوع: صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به اعتراضات هیات‌های تخلفات اداری و استثنای هیات حل اختلاف معاملات شهرداری تهران

به موجب بند ۲ ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۴۰۲، رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات هیات‌های رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون‌ها منحصرأ از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آن در صلاحیت دیوان عدالت اداری است. اما آرای صادره از هیات حل اختلاف موضوع ماده ۳۸ قانون اصلاح و تسری آیین‌نامه معاملات شهرداری تهران، ناظر به اختلافات ناشی از معاملات مشمول قانون مذکور است که ماهیت حقوقی و ترافعی دارند و از امور خارج از صلاحیت دیوان عدالت اداری محسوب می‌شوند.

❑ رأی وحدت رویه شماره ۸۴۸ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۲

موضوع: اعتبار اقدامات ضابطان دادگستری در صورت عدم دریافت کارت ویژه و پیامدها

قانونی آن

قانون‌گذار به موجب ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، برای احراز عنوان ضابط دادگستری، داشتن شرایطی از جمله دریافت کارت ویژه ضابطان را مقرر کرده است. اما با توجه به قسمت اخیر ماده یادشده که بیان می‌دارد: «اقدامات و تحقیقات اشخاص فاقد کارت دارای اعتبار نمی‌باشد»، مستفاد می‌گردد که داشتن کارت صرفاً برای اعتباربخشی به گزارش ضابطان است و تخلف از این مقررات، وفق ماده ۶۳ همان قانون، موجب خارج شدن آنان از مقام ضابط نمی‌شود. بنابراین، چنانچه مأمورین انتظامی در مقام ضابط دادگستری و در ارتباط با جرائم مشهود یا در راستای اجرای دستور مقام قضایی مرتکب جرمی شوند، رسیدگی به جرم ارتكابی برابر ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری و صلاحیت عام محاکم دادگستری، حسب مورد با دادگاه کیفری یا دادگاه بخش است.

❑ رأی وحدت رویه شماره ۸۴۷ مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

موضوع: محدودیت‌های وکالت در فروش اموال با قیمت غیرمتعارف در قانون مدنی ایران

طبق ماده ۲۴۷ قانون مدنی، انجام معامله نسبت به مال دیگری از طریق وکالت مجاز است. اما مطابق ماده ۶۶۷ همان قانون، وکیل موظف است در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را رعایت کند و از اختیارات داده شده تجاوز نکند. بنابراین، هرگاه وکیل اختیار فروش مال موکل را "به هر قیمت" داشته باشد، این عبارت به معنای قیمت متعارف است. اگر وکیل مال را به قیمتی بسیار پایین و غیرمتعارف (که عرفاً ثمن بخش و غیرقابل قبول باشد) به خود یا دیگری بفروشد، اقدام وی فضولی محسوب شده و بدون تنفیذ موکل، معامله باطل است.

❑ رأی وحدت رویه شماره ۸۴۶ مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۲۸

موضوع: تخفیف مجازات در مرحله صدور حکم بر اساس ماده ۳۸ قانون مبارزه با مواد مخدر و محدودیت‌های تبصره الحاقی ماده ۴۵

مطابق ماده ۳۸ قانون مبارزه با مواد مخدر، دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات مخففه در مرحله صدور حکم، مجازات‌های مقرر را تخفیف دهد؛ بنابراین، تبصره الحاقی به ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر که ممنوعیت استفاده از نهادهای ارفاقی مانند تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط را مقرر کرده است، صرفاً ناظر به مرحله اجرای حکم بوده و مانع از اعمال تخفیف در مرحله صدور حکم توسط دادگاه نیست.

❑ رأی وحدت رویه شماره ۸۴۵ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۰۸

موضوع: ابطال مزایده و سند انتقال اجرایی به دلیل تخلفات در فرآیند برگزاری مزایده

مبنای قانونی:

ماده ۱۴۳ قانون اجرای احکام مدنی: دستور انتقال و تملیک مال مورد مزایده زمانی صادر می‌شود که تشریفات مزایده به‌طور صحیح اجرا شده و صحت آن توسط دادگاه احراز گردد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

نتیجه و تحلیل:

اگر در فرآیند مزایده تخلف مؤثر وجود داشته باشد، دستور انتقال و مقررات ماده ۱۴۳ مانع اقامه دعوای ابطال مزایده یا سند انتقال اجرایی نیست. به استناد مواد ۲ و ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، دادگاه مکلف است به دعوای ذی‌نفع رسیدگی کند؛ یعنی حتی با صدور دستور انتقال، ذی‌نفع همچنان حق اعتراض و طرح دعوای ابطال دارد.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۴۴ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۰۸

نظر به اینکه مطابق ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، حکم به مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی و اجرای آن، تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون است، ضبط خودروی حامل سلاح غیرمجاز نیز، مستلزم نص قانونی است که در قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰، حکم خاصی در خصوص آن وجود ندارد. مقررات ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، ناظر به نحوه اقدام مرجع قضایی نسبت به اشیاء و اموال کشف‌شده است تا حسب مورد ضبط، مسترد یا معدوم شود، اما این مواد قانونی دلالتی بر این‌که در چه مواردی باید اموال را ضبط، مسترد یا معدوم کرد، ندارند؛ بنابراین، صدور حکم بر ضبط خودروی حامل سلاح غیرمجاز به استناد مواد قانونی یاد شده، مخالف اصل قانونی بودن مجازات است.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۴۲ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۶

رسیدگی به کلیه جرائم موضوع قانون اخلاف در نظام اقتصادی کشور، اعم از اینکه در حد افساد فی‌الارض یا عمده یا غیر عمده باشد، در صلاحیت دادگاه انقلاب است.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۴۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۱

تبصره ماده ۲۷ و ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی (۱۳۷۹): رسیدگی دیوان عالی کشور به اختلاف در صلاحیت فقط در سه مورد است: ۱- اختلاف بین دادگاه‌های دو حوزه قضایی از دو استان

۲- اختلاف بین دادگاه‌های عمومی، انقلاب و نظامی

۳- نفی صلاحیت مراجع قضایی به شایستگی مراجع غیر قضایی

► اگر اختلاف صلاحیت بین دادگاه‌های عمومی حقوقی و کیفری در یک استان باشد، چون هر دو در مجموعه «دادگاه عمومی» هستند و مرجع تجدیدنظر از آرای آن‌ها نیز دادگاه تجدیدنظر همان استان است، مرجع حل اختلاف نیز دادگاه تجدیدنظر همان استان خواهد بود.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۴۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۱

موضوع: شرایط و آثار عدول از سوگند در قسامه و تأثیر آن بر اعاده دادرسی در قانون مجازات اسلامی وضعیت عدول از سوگند:

اگر برخی از ادا کنندگان سوگند بعد از صدور حکم قطعی، از سوگند خود عدول کنند و تعداد سوگندها از حد نصاب قانونی کمتر شود:

- محکوم‌علیه می‌تواند در دیوان عالی کشور درخواست اعاده دادرسی کند.

- نیازی به اثبات عدول در دادگاه صادرکننده حکم نیست.

وضعیت بطلان قسامه (به علت دروغ یا بی‌علم بودن):

اگر قسامه به دلیل دروغ بودن یا سوگند بدون علم باطل گردد:

- پذیرش اعاده دادرسی منوط به اثبات در دادگاه صادرکننده حکم است.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۳۹ مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۴

موضوع: تعیین صلاحیت دادگاه‌ها در رسیدگی به جرائم قاچاق و نگهداری کالای ممنوع بر اساس قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با توجه به اصل ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تشکیل و تعیین صلاحیت دادگاه‌ها منوط به حکم قانون است. ایجاد هرگونه صلاحیت یا توسعه آن مستلزم تصریح قانونی است و در موارد تردید باید به قدر متیقن اکتفا کرد و با توجه به تفکیک عناوین مجرمانه «قاچاق» و «نگهداری

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

کالای ممنوع قاچاق» در ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، حکم مقرر در ماده ۴۴ این قانون در خصوص صلاحیت دادگاه انقلاب، صرفاً ناظر به جرم قاچاق با همان تعریف در این قانون است و به مواردی که اشخاص مرتکب نگهداری کالای قاچاق از جمله مشروبات الکلی خارجی به صورت جزئی می‌شوند و از مصادیق قاچاق کالا نباشد، تسری ندارد.

در نتیجه رسیدگی به بزه نگهداری مشروبات الکلی خارجی با توصیف فوق در صلاحیت دادگاه کیفری دو می‌باشد.

مثال: فرض کنید رضا در مشهد به اتهام نگهداری ۱ لیتر مشروبات الکلی خارجی دستگیر می‌شود. پرونده او به دادگاه کیفری دو ارجاع می‌شود.

سؤال: آیا دادگاه کیفری دو صالح به رسیدگی به اتهام رضا است یا باید پرونده به دادگاه انقلاب ارجاع شود؟

پاسخ: با توجه به رأی وحدت رویه مذکور: نگهداری مشروبات الکلی خارجی، هرچند جرم و مستوجب مجازات است، اما از حیث صلاحیت، در صلاحیت دادگاه انقلاب نیست. حکم مقرر در ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در خصوص صلاحیت دادگاه انقلاب، صرفاً ناظر به جرم قاچاق است و به موارد نگهداری مشروبات الکلی خارجی به صورت جزئی تسری ندارد.

بنابراین، رسیدگی به اتهام رضا در صلاحیت دادگاه کیفری دو مشهد است و نیاز به ارجاع پرونده به دادگاه انقلاب نیست.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۳۸ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۱۶

موضوع: تعیین جزای نقدی در جرائم کلاهبرداری با مشارکت چند نفر بر اساس سهم هر شریک

با توجه به ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ که عبارت «پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است» را بیان کرده است و با عنایت به ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که مجازات شریک جرم را مجازات فاعل مستقل قرار داده است:

۱- در صورتی که کلاهبرداری با مشارکت دو یا چند نفر انجام شده باشد، جزای نقدی هر یک از شرکای جرم به میزان سهم او از مال اخذ شده تعیین خواهد شد.

۲- صدور حکم به پرداخت جزای نقدی معادل کل مبلغ مورد کلاهبرداری برای هر یک از شرکا، تعیین مجازاتی بیش از میزان مقرر قانونی است.

۳- در مواردی که سهم هر یک از شرکا دقیقاً معلوم نباشد، میزان جزای نقدی به صورت مساوی بین آنان تعیین می‌گردد.

مثال: فرض کنید سه نفر به نام‌های «الف»، «ب» و «ج» با همدستی یکدیگر اقدام به کلاهبرداری از آقای «د» می‌کنند و مبلغ ۹۰۰ میلیون تومان از وی می‌گیرند.

سهم هر یک از متهمین:

آقای «الف»: ۴۰۰ میلیون تومان

آقای «ب»: ۳۰۰ میلیون تومان

آقای «ج»: ۲۰۰ میلیون تومان

سؤال: میزان جزای نقدی هر یک از متهمین چقدر خواهد بود؟

پاسخ: بر اساس رأی وحدت رویه فوق الذکر؛ جزای نقدی هر یک از شرکای جرم به میزان سهم او از مال اخذ شده تعیین می‌شود.

بنابراین:

آقای «الف» باید جزای نقدی معادل ۴۰۰ میلیون تومان پرداخت کند.

آقای «ب» باید جزای نقدی معادل ۳۰۰ میلیون تومان پرداخت کند.

آقای «ج» باید جزای نقدی معادل ۲۰۰ میلیون تومان پرداخت کند.

نکته: اگر سهم هر یک از متهمین مشخص نباشد، جزای نقدی به صورت مساوی بین آنان تقسیم می‌شود. در این مثال، هر یک باید جزای نقدی معادل ۳۰۰ میلیون تومان پرداخت کنند.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۳۷ مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

موضوع: نقش هیأت منصفه در تصمیم‌گیری دادگاه‌های جرائم سیاسی و مطبوعاتی بر اساس قانون اساسی و آیین دادرسی کیفری ایران

مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

پس از اعلام نظر هیأت منصفه، دادگاه در خصوص مجرمیت یا براءت متهم تصمیم می‌گیرد و رأی صادر می‌کند. این حکم اطلاق دارد و شامل هر دو حالت مجرمیت و براءت می‌شود؛ بنابراین، در مواردی که نظر اکثریت هیأت منصفه بر بی‌گناهی متهم باشد، اما دادگاه با استناد به ادله قانونی رفتار منتسب به وی را جرم تشخیص دهد، دادگاه ملزم به تبعیت از نظر هیأت منصفه نیست و می‌تواند حکم به مجرمیت متهم صادر کند.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۳۶ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۲۸

موضوع: ماهیت غیرمالی اعتراض به رأی داوری در نظام حقوقی ایران
با توجه به اینکه در دعاوی اعتراض به رأی داوری، خواهان معمولاً در پی کسب منفعت مالی نیست، بلکه به دنبال ابطال رأی داوری مطابق بندهای ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی است، دادگاه پس از رسیدگی، چنانچه درخواست را مطابق با یکی از بندهای مذکور یافت، رأی داوری را ابطال می‌کند. به این جهت، اعتراض به رأی داوری، اگرچه موضوع اصلی آن مالی باشد، دعوی مالی محسوب نمی‌شود.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۳۵ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۲۸

موضوع: تفسیر ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی در خصوص شهادت دروغ در تحقیقات مقدماتی
با توجه به لزوم تفسیر قانون با هدف کشف مراد مقنن، مجازات تعیین شده در مورد شهادت دروغ در مرحله تحقیقات مقدماتی نزد مقامات دادسرا نیز مشمول ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) است.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۳۴ مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۴

موضوع: لزوم ذکر علت تعیین حبس بیش از حداقل در حکم دادگاه و امکان اعاده دادرسی در صورت عدم رعایت آن
مطابق تبصره الحاقی به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۹)، دادگاه در صورت تعیین مجازات حبس بیش از حداقل، مکلف به ذکر علت است و چون فلسفه قانون کاهش مجازات حبس، تأکید بر حداقل مجازات است، بنابراین در صورت عدم رعایت این تکلیف، مجازات تعیین شده بیش از مجازات مقرر قانونی محسوب می‌شود و به استناد بند «چ» ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری، از موجبات تجویز اعاده دادرسی خواهد بود.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۳۳ مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۷

موضوع: تفسیر حقوقی اعتراض به آراء قضایی در قانون سازمان بازرسی کل کشور و آیین‌نامه اجرایی آن
با توجه به بند «د» ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور اصلاحی ۱۳۹۳، سازمان بازرسی کل کشور مکلف است در مواردی که گزارش آن متضمن اعلام وقوع جرمی با حیثیت عمومی است، موضوع را تا حصول نتیجه نهایی پیگیری نماید. طبق ماده ۶ همان قانون، عبارت «آراء صادره مراجع قضایی» به صورت مطلق آمده و شامل کلیه آراء صادره اعم از حکم و قرار، از مراجع قضایی اعم از دادگاه‌ها و دادسراها می‌باشد. همچنین، در ماده ۵۰ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور، به اعتراض به آراء صادره اعم از حکم و قرار اشاره شده است؛ بنابراین، واژه «تجدیدنظر» در ماده ۶ قانون مذکور، به معنای مطلق اعتراض به رأی است و قرارهای نهایی دادسرا با درخواست سازمان بازرسی کل کشور و موافقت دادستان ذی‌ربط، قابل اعتراض در دادگاه کیفری صالح است.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۳۲ مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۳۰

موضوع: قابلیت پذیرش دعوی الزام به فک رهن در صورت تأمین حقوق مرتهن
نظر به اینکه با تحقق عقد رهن، مالکیت عین مرهونه کماکان متعلق به راهن است و مرتهن به تبع طلب خود نسبت به عین مرهونه حق عینی دارد و می‌تواند از محل فروش آن با رعایت تشریفات قانونی طلب خود را استیفاء نماید، چنانچه حقوق مرتهن تأمین یا طلب وی تأدیه شود، انجام بیع نسبت به عین مرهونه توسط راهن، منافاتی با حقوق مرتهن و ماده ۷۹۳ قانون مدنی و رأی وحدت رویه شماره ۶۲۰ - ۲۰/۰۸/۱۳۷۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور ندارد؛ بنابراین، دعوی الزام به فک رهن به طرفیت فروشنده مال مرهونه قابلیت پذیرش را دارد.
مثال: وحید مالک آپارتمانی است که آن را در رهن بانک قرار داده است. او بدون فک رهن، ملک را به آقای لیلا می‌فروشد.
بعد از معامله، لیلا متوجه می‌شود که ملک در رهن بانک است و برای انتقال رسمی، نیاز به فک رهن وجود دارد؛ بنابراین از دادگاه می‌خواهد وحید را ملزم به پرداخت بدهی بانکی و فک رهن نماید.

مطابق رأی وحدت رویه فوق الذکر؛ مالکیت عین مرهونه همچنان در اختیار وحید است.

بانک تنها یک حق عینی تبعی دارد که از محل ملک، طلب خود را وصول کند.

در صورتی که بدهی بانک پرداخت یا تأمین شود، انتقال ملک و الزام به فک رهن هیچ منافاتی با حقوق بانک ندارد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

نتیجه: دادگاه می‌تواند با حفظ حقوق بانک، وحید را ملزم به پرداخت بدهی بانکی و فک رهن کرده و سپس حکم به انتقال رسمی ملک به نام لایلا بدهد.

این حکم برخلاف ماده ۷۹۳ قانون مدنی و رأی وحدت رویه شماره ۶۲۰ نیست، چون حقوق بانک رعایت شده است.

✍ نظریه مشورتی: با عنایت به رأی وحدت رویه شماره ۸۳۲ مورخ ۳۰/۰۳/۱۴۰۲ هیات عمومی دیوان عالی کشور که دعوی الزام به فک رهن را از سوی خریدار قابل استماع دانسته است، آیا دعوی ابطال معامله معارض با حق مرتهن قابلیت استماع دارد؟ در صورتی که هم‌زمان هر دو دعوا از سوی خریدار و مرتهن مبنی بر الزام به فک رهن و در مقابل ابطال معامله منافی حق مرتهن مطرح شود، دادگاه چه تصمیمی باید اتخاذ کند؟ پاسخ:

اولاً، رأی وحدت رویه شماره ۸۳۲ مورخ ۳۰/۰۳/۱۴۰۲ هیات عمومی دیوان عالی کشور در واقع قصد صریح یا ضمنی راهن در ضمن عقد بیع به رفع موانع انتقال را تعهدی مستقل تلقی و بر این اساس، دعوی الزام به وفای آن و فراهم ساختن موجبات فک رهن را مسموع دانسته است؛ اما این امر مانع از آن نیست که عقد بیع تا زمان اجرای تعهدات مربوط به پرداخت مطالبات مرتهن، به عنوان عقدی غیر نافذ باقی بماند.

ثانیاً، عدم نفوذ معامله یا مراعا بودن معاملات عین مرهونه (ماده ۷۹۳ قانون مدنی) امری متفاوت از عدم نفوذ معاملات فضولی (ماده ۲۴۷ قانون مدنی) است؛ زیرا در معامله فضولی پس از رد، اجازه مؤثر نیست (ماده ۲۵۰ قانون مدنی) و به صرف رد معامله باطل می‌شود؛ اما صرف اعلام عدم رضایت مرتهن نسبت به معامله راهن، آن را باطل نمی‌کند و امکان رفع مانع با پرداخت دین یا جلب رضایت مرتهن وجود دارد؛ بنابراین، در فرض جلب نکردن رضایت مرتهن، استماع دعوی ابطال معامله و صدور حکم به ابطال آن با منع قانونی مواجه نیست.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۳۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۲

موضوع: قابلیت استماع اعتراض ثالث در دعوی تجدیدنظر بر اساس اصل نسبی بودن احکام دادگاه‌ها و مواد ۴۱۷ و ۴۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی با توجه به اصل نسبی بودن احکام دادگاه‌ها و اطلاق مواد ۴۱۷ و ۴۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی، در مواردی که یکی از طرفین دعوی نخستین، طرف دعوی تجدیدنظر نبوده و به عنوان «ثالث» نسبت به رأی صادر شده از سوی دادگاه تجدیدنظر، اعتراض کرده است، به لحاظ آنکه وی در «دادرسی مرحله تجدیدنظر» که منتهی به صدور «رأی معترض‌عنه» شده، به عنوان یکی از طرفین، دخالت نداشته و حسب ادعا، همین رأی به حقوق وی خلل وارد آورده است، دعوی اعتراض ثالث مذکور قابل استماع است.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۳۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۱۵

موضوع: مسئولیت کیفری مأموران در خودداری از تعقیب قاچاقچیان و دریافت رشوه در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز
مأمورانی که با علم به ارتکاب قاچاق، از تعقیب مرتکبان خودداری می‌کنند، مطابق تبصره (۱) ماده (۳۵) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، در حکم مختلس محسوب می‌شوند. هرگاه برای خودداری از انجام وظیفه مذکور، وجه یا مالی اخذ کنند، رفتار آنان مشمول عنوان «ارتشاء» نیز می‌شود. در این موارد، به لحاظ آنکه «اخذ وجه یا مال» برای «خودداری از تعقیب مرتکبان» صورت گرفته است، موضوع مشمول مقررات تعدد اعتباری (معنوی) است و باید وفق ماده (۱۳۱) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجازات اشد تعیین شود.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۲۹ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۶

موضوع: صلاحیت دادگاه خانواده در دعوی مربوط به تنظیم سند رسمی مهریه توسط متعهد ثالث
دادگاه خانواده برابر ماده ۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، برای رسیدگی به امور و دعوی خانوادگی تشکیل شده و در ماده ۴ این قانون، موارد صلاحیت آن احصاء شده است. بر این اساس، دعوی زوجه به طرفیت متعهد ثالث مبنی بر "الزام به تنظیم سند رسمی مال غیرمنقول موضوع مهریه" که زوج طرف دعوا نیست، از صلاحیت این دادگاه به عنوان یک مرجع اختصاصی و دارای صلاحیت استثنایی، خارج است و مطابق اصل، در صلاحیت دادگاه عمومی حقوقی است.

✍ تعهد شخص ثالث به تأدیه مهریه:

تعهد شخص ثالث به پرداخت مهریه در ضمن یا خارج از عقد نکاح، توافقی مستقل است که تابع قواعد عمومی قراردادها و مواد ۱۰، ۲۱۹ و ۲۲۳ قانون مدنی است.

اختلاف راجع به این تعهد، مصداق دعوی خانوادگی نیست و رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه خانواده قرار نمی‌گیرد.

مثال: فرض کنید خانم «الف» در ضمن عقد نکاح یا پس از آن، با شخص «ب» (غیر از شوهرش) توافق می‌کند که شخص «ب» یک ملک را به عنوان مهریه به او منتقل کند. اگر شخص «ب» از انجام این تعهد خودداری کند، خانم «الف» می‌تواند دعوایی علیه او برای الزام به تنظیم سند رسمی مطرح کند.

سؤال: این دعوا باید در دادگاه خانواده مطرح شود یا دادگاه عمومی حقوقی؟

پاسخ: چون دعوا به طرفیت شخص ثالث (غیر زوج) است و مصداق دعوای خانوادگی نیست، رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه عمومی حقوقی است.

نتیجه: خانم «الف» باید دعوای خود را در دادگاه عمومی حقوقی مطرح کند.

دادگاه خانواده به این دعوا صلاحیت رسیدگی ندارد.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۲۸ مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۱

موضوع: محدودیت‌های قانونی در رد دادرسی به دلیل شکایت کیفری علیه قاضی

با توجه به اینکه؛

- ۱- طبق ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری، بدون دلیل کافی نمی‌توان کسی را به عنوان متهم احضار کرد
- ۲- بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ قانون نظارت بر رفتار قضات، تعقیب قاضی در جرائم عمدی منوط به تعلیق وی توسط دادگاه عالی انتظامی قضات است.
- ۳- جهات رد دادرسی جنبه استثنایی دارد و در صورت تردید، قاضی مکلف به رسیدگی است؛ بنابراین، صرف شکایت کیفری از قاضی رسیدگی‌کننده به معنای "مطرح بودن دعوای کیفری" بین او و شاکی نیست تا به استناد بند «ث» ماده ۴۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری، موجب رد دادرسی شود.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۲۷ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۹

موضوع: صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به مصوبات موردی شورای اسلامی شهر در امور شهرداری

هرچند شورای اسلامی شهر نهادی مستقل و دارای وظایف و اختیاراتی فراتر از امور مربوط به شهرداری است، اما با توجه به اینکه مطابق ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی و نیز برخی مقررات دیگر، اتخاذ تصمیم در موارد مهمی از امور مربوط به شهرداری بر عهده این شورا است (همانند مواردی که به موجب ماده ۴۵ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ بر عهده انجمن شهر سابق بود)، بنابراین مصوبات موردی (غیرعام‌الشمول) شورای اسلامی شهر در امور مربوط به "شهرداری" مشمول قسمت الف بند یک ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۲۵/۰۳/۱۳۹۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام است و به دعوای ابطال آن، در دیوان عدالت اداری رسیدگی می‌شود.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۲۶ مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۲۴

موضوع: تفسیر مضیق سابقه محکومیت قطعی در تعیین مجازات اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر

به موجب ماده ۴۵ الحاقی ۱۳۹۶ به قانون مبارزه با مواد مخدر، صدور حکم اعدام منوط به وجود شرایط خاص مندرج در این ماده است.

یکی از این شرایط، وجود «سابقه محکومیت قطعی» (بند پ) است.

با توجه به اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری، ملاک محاسبه سابقه، محکومیت قابل اجرا پس از اعمال نهادهای ارفاقی مانند عفو یا تخفیف مجازات از سوی مقام رهبری است.

بنابراین محکومیتی که بر اثر عفو یا تخفیف، کاهش یافته یا آثار آن زائل شده باشد، در محاسبه سابقه مؤثر برای اعمال بند پ لحاظ نمی‌گردد.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۲۵ مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۲۶

موضوع: نقش دادستان و جانشینان در اجرای احکام کیفری و حق درخواست اعاده دادرسی بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری بر اساس مواد ۲۲، ۲۳، ۸۸ و ۴۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری، دادرسی یک سازمان واحد است که تحت ریاست دادستان فعالیت می‌کند و اجرای احکام کیفری نیز از وظایف آن است.

ماده ۴۷۵ همین قانون به دادستان مجری حکم حق داده است درخواست اعاده دادرسی کند؛ این حق به مناسبت وظیفه اجرای احکام کیفری پیش‌بینی شده است.

با توجه به اطلاق ماده ۸۸، اعمال این حق قائم به شخص دادستان نیست، بلکه معاون دادستان یا دادیار مأمور یا جانشین دادستان نیز می‌تواند آن را اعمال کند.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۲۴ مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۱

موضوع: تأثیر اعسار مدیون بر محاسبه خسارت تأخیر تأدیه در چک‌های برگشتی
مطابق ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م، شرط «تمکن مدیون» مطلق است و در مقررات خاص مربوط به چک نیز حکمی مغایر وجود ندارد.
بنابراین، اگر دادگاه اعسار محکوم‌علیه (اعم از کلی، با مهلت یا به صورت اقساط) را بپذیرد، از تاریخ ثبوت اعسار، خسارت تأخیر تأدیه چک متوقف می‌شود.

البته در صورت اعسار با تعیین مهلت یا اقساط، چون تمکن محدود بدهکار احراز شده، اگر در موعد یا مواعد مقرر تأخیر کند، نسبت به دین یا اقساط معوق، خسارت تأخیر تأدیه تعلق خواهد گرفت.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۲۳ مورخ ۱۴۰۱/۰۴/۲۸

موضوع: تعارض اعمال تخفیف مجازات با حق تجدیدنظرخواهی شاکی در قانون آیین دادرسی کیفری

با توجه به اینکه فلسفه وضع ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری، کاهش یک مرحله دادرسی و تسریع در قطعی شدن حکم است و در ماده ۴۳۳ همین قانون برای شاکی حق تجدیدنظرخواهی به طور مطلق پیش‌بینی شده است، اعمال تخفیف مجازات در مواردی که شاکی تجدیدنظرخواهی کرده است، نقض غرض و معارض با قطعی بودن حکم است. همچنین، صدور دو حکم در موضوع واحد موجب اشکال در اجرا می‌شود. بنابراین، اعمال تخفیف مجازات مطابق ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری، در صورت عدم تجدیدنظرخواهی شاکی یا استرداد درخواست تجدیدنظر از سوی وی، امکان‌پذیر است.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۲۲ مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۳۱

موضوع: تحلیل حقوقی جرم تغییر غیرمجاز کاربری اراضی و شمول مرور زمان تعقیب
طبق ماده ۱۰ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها (اصلاحی ۱۳۸۵)، اقداماتی مانند «ایجاد بنا»، «برداشتن یا افزایش شن و ماسه» و سایر مواردی که وزارت جهاد کشاورزی تغییر کاربری تشخیص دهد، رکن مادی بزه تغییر غیرمجاز کاربری محسوب می‌شوند.
با ارتکاب هر یک از این اقدامات، جرم تحقق می‌یابد و استمرار آثار آن به معنای جرم مستمر نیست.
بنابراین، بزه تغییر غیرمجاز کاربری از جرائم مستمر به شمار نمی‌آید و از تاریخ وقوع مشمول مرور زمان تعقیب در جرائم تعزیری (ماده ۱۰۵ ق.م.ا. ۱۳۹۲) خواهد بود.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۲۱ مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۰

موضوع: شرط سقوط خیار غبن و تأثیر آن بر مراتب افحش غبن در قراردادهای
مطابق مواد ۴۱۶ و بعد قانون مدنی، در موارد غبن فاحش، با لحاظ دیگر شرایط مقرر، مغیوب حق فسخ (خیار) دارد. چنانچه برابر ماده ۴۴۸ همین قانون، سقوط این حق شرط شده باشد، به اقتضای رفتار متعارف اشخاص، شرط یادشده منصرف از مراتب اعلای غبن است که عرفاً «افحش» دانسته می‌شود. برخی فتاوی معتبر فقهی نیز بر همین اساس صادر شده است.
مثال: فرض کنید آقای «الف» ملکی را به مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان به آقای «ب» می‌فروشد. در قرارداد فروش، طرفین تمامی اختیارات از جمله خیار غبن فاحش را اسقاط می‌کنند.
پس از معامله، آقای «الف» متوجه می‌شود که ارزش واقعی ملک ۱ میلیارد تومان بوده است؛ یعنی قیمت ملک دو برابر مبلغ فروش بوده و اختلاف قیمت بسیار فاحش است.

سؤال: آیا آقای «الف» می‌تواند به استناد غبن فاحش معامله را فسخ کند، با وجود اینکه خیار غبن فاحش را اسقاط کرده است؟
پاسخ: اسقاط خیار غبن فاحش در قرارداد، منصرف از مراتب اعلای غبن است که عرفاً «افحش» دانسته می‌شود.
بنابراین، آقای «الف» می‌تواند به استناد غبن فاحش معامله را فسخ کند، زیرا اسقاط خیار غبن فاحش شامل غبن فاحش نمی‌شود.
نتیجه: آقای «الف» حق دارد به دلیل غبن فاحش، درخواست فسخ معامله را مطرح کند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

توضیح: بنابراین این اسقاط شامل غبن افحش نمی‌شود. به عبارت دیگر، اگر اختلاف قیمت به حدی باشد که عرفاً غبن افحش تلقی شود، طرف مغبون حق فسخ معامله را خواهد داشت، حتی اگر خیار غبن افحش را اسقاط کرده باشد.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۲۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۱۶

موضوع: حق تجدیدنظرخواهی دادستان در جرائم قابل گذشت و عدم تأثیر گذشت شاکی بر آن
با توجه به اینکه حق تجدیدنظرخواهی دادستان موضوع بند پ ماده ۴۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، مطلق است و شامل تجدیدنظرخواهی نسبت به آراء صادر شده در جرائم قابل گذشت نیز می‌شود و با عنایت به اینکه صرف عدم درخواست تجدیدنظر از سوی شاکی به معنای گذشت وی نیست، بنابراین، در جرائم قابل گذشت، مادام که شاکی گذشت خود را اعلام نکرده است، حق تجدیدنظرخواهی دادستان نسبت به آراء برائت به قوت خود باقی است.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۱۹ مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۱۶

موضوع: امکان اسقاط حق تجدیدنظرخواهی و تأثیر آن بر فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور
در مواردی که یکی از طرفین در مهلت تجدیدنظر با اسقاط حق تجدیدنظرخواهی خود، فرجام‌خواهی کرده است، با توجه به اینکه حق تجدیدنظرخواهی مانند دیگر حقوق، اصولاً قابل اسقاط است و به ویژه با عنایت به اینکه اسقاط این حق، با انتخاب حق فرجام‌خواهی و به منظور تسریع انجام شده است و منافاتی نیز با حقوق طرف دیگر دعا ندارد، بنابراین موضوع مشمول اطلاق صدر ماده ۳۶۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ است و به فرجام‌خواهی مذکور در دیوان عالی کشور رسیدگی می‌شود و چون مورد از شمول ماده ۳۳۳ این قانون خروج موضوعی دارد، مفاد این ماده نمی‌تواند نافی آن باشد.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۱۸ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۰۷

موضوع: قابلیت استماع دعوای اعتراض شخص ثالث نسبت به بخش رد مال از آرای کیفری
اعتراض شخص ثالث نسبت به رأی کیفری در خصوص رد مال قابل رسیدگی است.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۱۷ مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۱۶

موضوع: عدم قابلیت فرجام‌خواهی آراء اعسار از پرداخت دیه در دادگاه‌های کیفری یک
با عنایت به اینکه برابر ماده ۲۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴، محکومیت به پرداخت دیه در زمره محکومیت‌های مالی مشمول این قانون است و مطابق دیگر مواد همین قانون، از جمله مواد ۱۰ و ۱۴ آن، دعوای اعسار دعوایی غیرمالی است که به موجب درخواست و به طور مستقل مطرح و رسیدگی می‌شود و در ماده ۱۴ اخیرالذکر تنها به مرحله تجدیدنظر این دعا اشاره شده است و با توجه به اینکه قابل فرجام بودن آراء دادگاه‌ها، امری استثنایی و نیازمند نص است و در هیچ‌یک از مقررات مربوط چنین نصی وجود ندارد، بنابراین آراء صادره از سوی دادگاه‌های کیفری یک در خصوص اعسار از پرداخت دیه، قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور نیست.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۱۶ مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۱۶

موضوع: صلاحیت دادگاه در امور قیمومت با تغییر اقامتگاه محجور
با عنایت به اینکه قانون‌گذار در ماده ۴۸ قانون امور حسبی، با هدف تسریع در رسیدگی به امور قیمومت، دادگاه محل اقامت محجور را برای رسیدگی به این امور صالح دانسته است، بنابراین، در مواردی که پس از تعیین قیم، اقامتگاه قانونی محجور تغییر کند، دادگاه و دادسرای محل اقامت جدید محجور برای رسیدگی و اقدام به امور مذکور صالح است و مفاد ماده ۵۴ قانون یاد شده با توجه به فلسفه وضع ماده صدرالذکر، منصرف از این موارد است.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۱۵ مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۱۸

موضوع: قسامه به عنوان دلیل اثبات حق خصوصی در جرائم و محدودیت‌های آن در تعیین مجازات تعزیری
مطابق ماده ۳۱۳ ق.م.ا. ۱۳۹۲، قسامه یکی از ادله اثبات دعا در قصاص و دیه است.
بر اساس ماده ۲۰۸ و تبصره ماده ۱۶۰ همین قانون، حدود و تعزیرات با سوگند (از جمله قسامه) اثبات یا نفی نمی‌شوند، بلکه قسامه صرفاً در قصاص و دیه معتبر است.

مطابق ماده ۴۵۶، در جنایت بر اعضا و منافع، قصاص با قسامه ثابت نمی‌شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

نتیجه: قسامه دلیلی است که فقط در موارد منصوص و برای اثبات حق خصوصی اشخاص اعتبار دارد، و تعیین مجازات تعزیری برای جنبه عمومی جرم بر اساس آن فاقد وجهت قانونی است.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۱۴ مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۲۰

موضوع: تفسیر مضیق عنوان جزایی «ارسال» در قانون مبارزه با مواد مخدر: محدودیت به ارسال خارجی و استثنای ارسال داخلی در ماده ۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۷۶ (با اصلاحات بعدی)، عبارت «به هر نحوی وارد یا به هر طریقی صادر یا ارسال نماید» آمده است.

با توجه به سیاق ماده و بند ۲ ماده ۱ همان قانون که کلمه «ارسال» را میان «وارد کردن» و «صادر کردن» آورده است، «ارسال» صرفاً ناظر به ارسال به خارج از کشور است.

بنابراین، انتقال یا فرستادن مواد مخدر از نقطه‌ای به نقطه دیگر در داخل کشور، تحت عنوان جزایی «ارسال» موضوع ماده ۴ قرار نمی‌گیرد. در این حالت، رفتار مرتکب بسته به شرایط، می‌تواند تحت عناوین جزایی دیگر (مثل حمل یا نگهداری) مورد تعقیب قرار گیرد.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۱۳ مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۱۹

موضوع: تأثیر توبه متهم بر تخفیف یا سقوط مجازات در جرائم تعزیری پیش از قطعیت حکم با عنایت به مواد ۱۱۵ و ۱۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، هرگاه متهم قبل از قطعیت حکم توبه کند و ندامت و اصلاح وی برای قاضی محرز شود، در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت، مجازات تعزیری ساقط می‌شود و در سایر جرائم موجب تعزیر، دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال کند. اما بعد از قطعیت حکم، موضوع از شمول این مقررات خارج است. بدیهی است که بعد از قطعیت حکم، عفو یا تخفیف مجازات محکومان مطابق بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (یعنی عفو یا تخفیف مجازات محکومین توسط رهبر در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضاییه)، امکان‌پذیر است.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

موضوع: تعیین مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه وجه چک

مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه وجه چک، تاریخ سررسید چک است، نه تاریخ گواهی عدم پرداخت.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۱۱ مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

موضوع: الزام بایع به جبران کاهش ارزش ثمن در موارد مستحق‌لغیر درآمدن مبیع جلسه هیات عمومی دیوان عالی کشور به منظور بررسی اختلاف استنباط میان شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان کردستان و شعبه هفتم دادگاه تجدیدنظر استان قزوین در مورد نحوه جبران کاهش ارزش ثمن در موارد مستحق‌لغیر درآمدن مبیع موضوع ماده ۳۹۱ قانون مدنی برگزار شد. شعبه دوم با استناد به رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳ - ۱۵/۰۷/۱۳۹۳، کاهش ارزش ثمن را نوعی غرامت دانسته و بر جبران آن بر اساس قیمت روز مبیع با ارجاع به نظر کارشناس تأکید کرد، درحالی‌که شعبه هفتم جبران خسارت را از طریق پرداخت خسارت تأخیر تأدیه به نرخ شاخص بانک مرکزی بر مبنای ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی کافی دانست. نماینده دادستان کل کشور با تأکید بر قاعده انصاف و لزوم حفظ قدرت خرید مشتری، نظر شعبه دوم را تأیید نمود. در نهایت، هیات عمومی با استناد به مواد ۳۹۰ و ۳۹۱ قانون مدنی و ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی، رأی شعبه دوم را صحیح تشخیص داده و مقرر کرد که در این موارد، کاهش ارزش ثمن باید به عنوان غرامت و خارج از شمول ماده ۵۲۲، مطابق تورم و نظر کارشناس جبران شود.

□ رأی وحدت رویه شماره ۸۱۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۴

موضوع: حق فسخ فروشنده در قرارداد بیع و تأثیر آن بر انتقال مالکیت به خریدار جدید مطابق مواد ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۴، ۲۲۵ و ۴۵۴ قانون مدنی، قراردادهای خصوصی لازم‌الاجرا هستند و شروط ضمن عقد نیز برای طرفین الزام‌آور است. اگر در ضمن عقد بیع شرط شود که در صورت عدم پرداخت اقساط ثمن، فروشنده حق فسخ و استرداد مبیع را دارد: با اعمال فسخ، مالکیت به فروشنده بازمی‌گردد.

حتی اگر خریدار، مبیع را به دیگری منتقل کرده باشد، این انتقال در برابر فروشنده اولیه بی‌اعتبار است و مبیع باید به فروشنده بازگردد.

عدم اطلاع خریدار جدید از شرط فسخ (به دلیل درج در قرارداد قبلی) تأثیری ندارد؛ زیرا شرط فسخ جزء مفاد قرارداد اصلی است و نسبت به همه اشخاص (از جمله منتقل‌الیه) مؤثر است.

در نتیجه، حق فروشنده اولیه بر ملک محفوظ است و انتقالات بعدی آن را از بین نمی‌برد.

← **قاعده حاکمیت خیار فسخ: طبق ماده ۳۶۳ قانون مدنی، خیار فسخ مانع انتقال مالکیت نمی‌شود، مگر اینکه خریدار، شرط مندرج در قرارداد را رعایت نکند و حق فسخ اعمال شود.**

در صورت اعمال فسخ، فروشنده می‌تواند مالکیت را مجدداً به خود بازگرداند و معاملات بعدی باطل خواهد بود.

← **عدم استقرار کامل مالکیت خریدار: در مواردی که خریدار به تعهدات خود عمل**

نکند و فروشنده حق فسخ را اعمال نماید، مالکیت خریدار متزلزل بوده و انتقالات بعدی او غیر نافذ است و نیازمند تأیید فروشنده می‌باشد.

مثال: فرض کنید فرد "الف" ملکی را به "ب" فروخته و در قرارداد شرط کرده است که در صورت عدم پرداخت اقساط، حق فسخ معامله را دارد. "ب" پس از عقد بیع، ملک را به "ج" فروخته، اما اقساط را پرداخت نکرده است. "الف" به دلیل عدم پرداخت اقساط، معامله را فسخ می‌کند.

سؤال: آیا معامله بین "ب" و "ج" معتبر است؟

پاسخ: بر اساس رأی وحدت رویه شماره ۸۱۰، معامله بین "ب" و "ج" باطل است زیرا "الف" حق فسخ را اعمال کرده و مالکیت به او بازگشته است. خریدار بعدی (ج) باید مبیع را به "الف" بازگرداند.

□ **رأی وحدت رویه شماره ۸۰۹ مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۱۷**

موضوع: صلاحیت دادگاه در رسیدگی به بزه نگهداری مشروبات الکلی خارجی بر اساس قوانین مبارزه با قاچاق و آیین دادرسی کیفری
بر اساس تعریف قاچاق کالا در بند الف ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و تفکیک بین قاچاق و نگهداری کالای قاچاق در مواد دیگر این قانون، نگهداری مشروبات الکلی خارجی به عنوان یکی از مصادیق کالای ممنوع مستوجب مجازات است، اما از نظر صلاحیت دادگاه، موضوع ماده ۴۴ قانون مذکور بر آن صدق نمی‌کند. با استناد به ماده ۳۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری و استثنایی بودن صلاحیت دادگاه انقلاب، رسیدگی به بزه نگهداری مشروبات الکلی خارجی در صلاحیت دادگاه کیفری دو است.

□ **رأی وحدت رویه شماره ۸۰۸ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۰۵**

موضوع: قابلیت فرجام‌خواهی آراء جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی در دیوان عالی کشور
مطابق ماده ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری و اصلاحات آن، آراء صادره درباره جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که مجموع دیه آن‌ها نصف دیه کامل یا بیش از آن باشد، قابل فرجام در دیوان عالی کشور است. این رأی شامل صدمات متعدد عمدی نیز می‌شود که مجموع دیات آن‌ها به میزان مذکور برسد.

□ **رأی وحدت رویه شماره ۸۰۷ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۴**

موضوع: تعیین درجه جرم بر اساس مجازات حبس و تأثیر قانون کاهش مجازات حبس تعزیری بر جرائم ملکی
جزای نقدی که به عنوان جایگزین حبس در برخی از مقررات قانونی مانند بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مقرر شده، ملاک تعیین درجه جرم نیست. بلکه درجه جرم بر اساس مجازات حبس مقرر در قانون تعیین می‌شود. بر این اساس و با توجه به ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری، مجازات حبس مقرر در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در خصوص مواردی که املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی باشد، به موجب ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۲۳/۰۲/۱۳۹۹، به نصف تقلیل یافته و درجه ۷ است و به طور مستقیم در دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌شود.

□ **رأی وحدت رویه شماره ۸۰۶ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۴**

موضوع: شرایط مسئولیت بیمه‌گر در قبال راننده مسبب حادثه فاقد گواهینامه در قانون بیمه اجباری
با توجه به ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث، این ماده به زبان دیدگان ثالث اختصاص دارد و نه راننده مسبب حادثه. در صورتی که راننده مسبب حادثه فاقد گواهینامه باشد، بیمه‌گر مسئولیتی برای پرداخت خسارت به او ندارد. شرط دارا بودن گواهینامه رانندگی برای پرداخت خسارت به راننده مسبب حادثه در آیین‌نامه اجرایی ماده ۳ قانون بیمه اجباری پیش‌بینی شده و به تصویب شورای عالی بیمه رسیده است. بنابراین، بیمه‌گر مسئولیتی برای پرداخت خسارت بدنی به راننده مسبب حادثه فاقد گواهینامه ندارد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

❑ رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۱۶

موضوع: تعیین وجه التزام قراردادی در جبران خسارت تأخیر تعهدات پولی و تطابق با قوانین مدنی و آیین دادرسی

تعیین وجه التزام قراردادی به منظور جبران خسارت تأخیر در ایفای تعهدات پولی، مشمول ماده ۲۳۰ قانون مدنی و عبارت قسمت اخیر ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی است. بر این اساس، اگر مبلغ وجه التزام تعیین شده در قرارداد حتی بیشتر از شاخص تورم باشد، در صورتی که مغایرتی با مقررات امری و قوانین پولی نداشته باشد، معتبر و فاقد اشکال قانونی است.

❑ رأی وحدت رویه شماره ۸۰۴ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۰۲

موضوع: مسئولیت‌پذیری در جراحات ناشی از معالجات پزشکی و استثنائات قانونی آن

جراحاتی که در حین معالجات پزشکی ایجاد می‌شوند، قابلیت استناد به رفتار واردکننده صدمه اولیه را ندارند و بنابراین مستوجب پرداخت دیه یا آرش از جانب او نیستند. همچنین، اگر این جراحات با رعایت اصول و مقررات پزشکی و موازین قانونی ایجاد شده باشند، پزشک یا معالج نیز مسئولیتی در پرداخت دیه یا آرش ندارند.

❑ رأی وحدت رویه شماره ۸۰۳ مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۱۸

موضوع: صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به اعتراضات آراء کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری

مطابق تبصره ۱۰ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، آراء صادره از کمیسیون موضوع این ماده قابل اعتراض در کمیسیون هم‌عرض است و برابر بند ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء قطعی کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری در صلاحیت دیوان عدالت اداری است. بنابراین اعتراضات واحدهای دولتی و عمومی نسبت به آراء کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری، در هر حال قابل طرح و رسیدگی در دادگاه‌های عمومی نیست.

❑ رأی وحدت رویه شماره ۸۰۲ مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۱۸

موضوع: صلاحیت دادگاه معطی نیابت در رسیدگی به اعتراض ثالث در توقیف اموال بر اساس قانون اجرای احکام مدنی

مطابق مواد ۱۹، ۲۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی، در مواردی که دادگاه صادرکننده اجراییه به منظور اجرای حکم به دادگاه دیگری برای توقیف مال معین واقع در آن حوزه قضایی نیابت داده و پس از توقیف مال، شخص ثالث به آن اعتراض کرده است، صلاحیت رسیدگی به این اعتراض در دادگاه معطی نیابت است. زیرا توقیف مال با درخواست و نظر دادگاه معطی نیابت انجام شده و دادگاه مجری نیابت فقط مفاد نیابت را اجرا کرده است. بنابراین، دادگاه صادرکننده نیابت (معطی نیابت) مرجع صالح برای رسیدگی به اعتراضات ثالث است.

❑ رأی وحدت رویه شماره ۸۰۱ مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۲

موضوع: صلاحیت دادگاه‌های عمومی حقوقی در دعاوی خلعی و محدودیت‌های کمیسیون رفع تداخلات در قانون افزایش بهره‌وری کشاورزی

صلاحیت کمیسیون رفع تداخلات موضوع ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۳ الحاقی به ماده ۹ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی، به استناد ماده ۵۴ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقاء نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴، محدود به موارد مصرح و منصرف از دعاوی خلعی است. بنابراین، دادگاه‌های عمومی حقوقی صلاحیت رسیدگی به این دعاوی را دارند و موجب قانونی برای صدور قرار عدم صلاحیت در این دعاوی به شایستگی کمیسیون رفع تداخلات وجود ندارد.

❑ رأی وحدت رویه شماره ۸۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۲

موضوع: صلاحیت محلی دادگاه در رسیدگی به اتهام عضوگیری برای کسب درآمد

عضوگیری در بنگاه، مؤسسه، شرکت یا گروه به منظور کسب درآمد ناشی از افزایش اعضا، رفتاری مستقل از تأسیس یا قبول نمایندگی است. بنابراین، مطابق ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، رسیدگی به اتهام شخص عضو گیر باید در دادگاهی انجام شود که عضوگیری در حوزه آن رخ داده است.

❑ رأی وحدت رویه شماره ۷۹۹ مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۱۵

موضوع: تعیین مسئولیت سارقان در بازگرداندن مال مسروقه بر اساس میزان مشارکت و اصل تساوی مسئولیت

در مواردی که سارقان به صورت مشترک در یک سرقت شرکت داشته‌اند، مسئولیت هر یک از آن‌ها در رد مال مسروقه به میزان مالی است که به دست آورده است. دادگاه باید با استناد به ماده ۶۶۷ قانون مجازات اسلامی و دیگر مواد مرتبط، مسئولیت هر یک از سارقان را بر اساس میزان نقش کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

آن‌ها در بردن مال تعیین کند. اگر میزان مال تحصیل شده توسط هر یک از سارقان معلوم نباشد، بر اساس اصل تساوی مسئولیت که در قوانین مختلف مورد پذیرش قانون‌گذار قرار گرفته است، مسئولیت سارقان به طور مساوی خواهد بود.